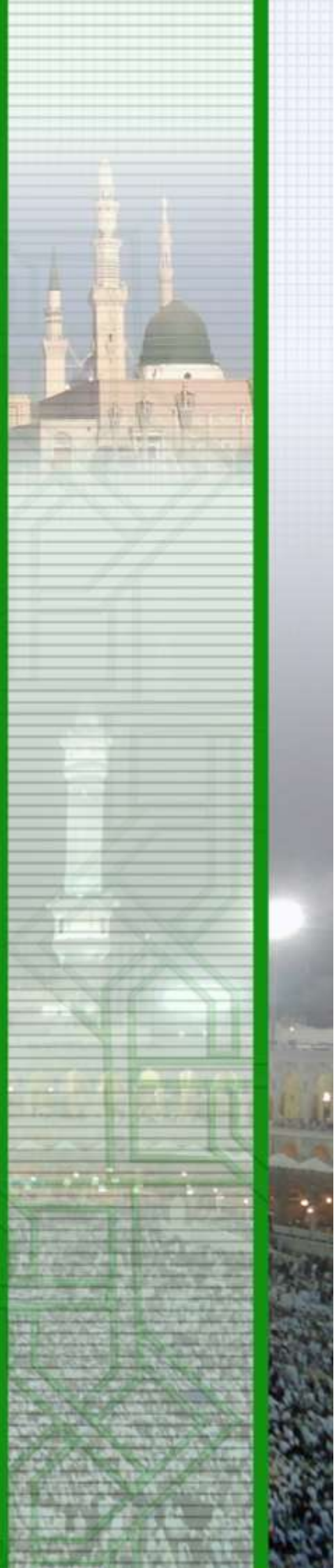


قطره‌ای در دریا



سفرنامه حج سال ۸۳
غ - خدای



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پس از تهیه متن مکتوب خدا حافظی بشرح ذیل:

خواهر گرامی.....

برادر

سلام علیکم

با عنایت خداوند ، اینک فرصتی فراهم گردیده که ذره ای ناچیز از جمع شما بزرگواران جدا شده و در سرزمین وحی به جمع بزرگتری از بندگان خداوند با ملیت های مختلف پیوندد تا تمرینی برای چگونه مردن و تولدی دوباره را (در میقات) و چگونه زندگی کردن را (در احرام ، عرفات ، مشعر الحرام ، منی و حرم) با مردم و در جهت خالق مردم تمرین کند یقینا توفیق در این راه نیازمند بخشش و حلالیت شما سروران گرامی و همچنین دعای شما پاکدلان از درگاه حضرت حق می باشد .

امیدوارم این فرصت فراهم شده درک شود تا با شناخت (در عرفات) شعور (در مشعر الحرام) و عشق (در منی و خانه خدا) بر وسوسه های درونی (خود پرستی و خود خواهی) و وسوسه های بیرونی (پول پرستی ، علم پرستی ، قدرت پرستی) غلبه و توفیق بنده شدن فراهم شود و در باقیمانده عمر سر بر آستان خالق هستی و در خدمت و طواف دل های مخلوقات او باشم انشاء ... یاد خاطره همه شما را در لحظه لحظه های حج همراه داشته و دعاگوی شما خواهم بود .

و توزیع در بین همکاران و آشنایان و آمد و شد برادران و خواهران و آشنایان برای خدا حافظی و رفتن به منزل همسایگان و عمو بزرگ . به موجب آرامش و پی بردن به اینکه همه چیز را باید

گذاشت و رفت ای کاش انسان در طول زندگی این احساس و درک را داشته باشد که کل عمر انسان در این دنیا همانند یک مسافرت است که باید ترک کرد آنهم با دست خالی از مادیات دنیا و بدون زن و فرزند ولی چه باید کرد در حالیکه جلوه های فریبنده دنیا موجب غفلت انسان شده و دلخوش به مدرک ، مقام ، فرزندان ، پول ، منزل و می شود . علیهذا فرصت خوبی است که پس از مدتی انسان این امر را تمرین کند. برای شروع حج. ابتدا در بهشت رضا با فرزندانم ابوذر و مریم خداحافظی کردم زیرا قرار است به نیابت از آنان این حج را انجام دهم . صبح زود ساعت 4/30 به حرم امام رضا (ع) رفته و پس از زیارت و گفتگو با امام عزیز و اقامه نماز صبح به امامت حاج آقا راشد یزدی و و استفاده از حدیثی که ایشان مطرح کردند که خوشبختی انسان در شاد کردن یک دل غمگین ، داماد کردن یک جوان ، آزاد کردن یک اسیر و فرستادن فردی به حج است. صبح ساعت 9 به مسجد قبا آمدم شور و حال عجیبی جریان داشت گریه ها ، خنده ها ، اندیشیدن ها چون هر کس از نگاه خودش به سفر حج تماشا میکرد . زمان موعود فرا رسید و ساعت 10 بطرف فرودگاه حرکت کردیم قرار بود ساعت 1335 حرکت کنیم ولی تا ساعت 16 پرواز ما به تاخیر افتاد (2/5 ساعت) اولین امتحان در سفر حج برایمان پیش آمد و آنهم جابجایی صندلیها بود که به **حمدالله** به خیر گذشت چون بعضی وقتها انسان به یک صندلی هواپیما هم وابستگی پیدا می کند . **خدایا** ما را در امتحان هایی که پیش رو داریم آنی به خودمان وامگذار. **خدایا** با لطف خودت ما را موفق کن چونکه نفس خود پرستی باعث گمراهی ما می شود و قرار است در طول سفر تمرین کنیم که اول خودت ، بعد مردم و آخر خودمان ،



بعد از 3 ساعت پرواز ساعت 19 وارد فرودگاه مدینه شدیم و پس از طی مراحل قانونی (گمرک ، بررسی کارت سلامت ، واریسی وسایل) ساعت 21 به هتل محل اقامت که تقریباً 100 متری حرم حضرت رسول (ص) بود رسیدیم و پس از اقامه نماز و صرف شام و جابجایی وسایل ساعت 1040 به اتفاق همسر برای عرض سلام به پیشگاه پیامبر رحمت و دخترش فاطمه کوثر و ائمه بقیع رفتیم ولی همه جا بسته و تعطیل بود . صبح روز 83109 به حرم رفته و نماز صبح را اقامه کردیم ساعت 10 صبح به مسجد النبی رفتیم و توفیق حاصل شد که در روضه اصلی و قسمت منبر و محراب رسول اکرم و مرقد مطهرش حضور پیدا کنیم و سپس از ساعت 1230 11- جلسه کاروان شرکت نمودیم و روحانیون و مدیریت محترم کاروان توضیحاتی ارائه نمودند و نماز ظهر را در مسجد النبی اقامه نمودیم و پس از نهار و استراحت و مجدداً برای نماز عصر به مسجد النبی رفته و از آنجا توفیق تشرف به مزار ائمه بقیع حاصل شد که حال و هوای عجیبی بود بطوریکه روحانیت و معنویت مردم و منطقه انسان را سرشار از عشق و احساس مینمود بخصوص زنان پاکستانی که با زور و ارادت قلبی اشان وارد بقیع شده بودند (چون زنان را به هیچ عنوان راه نمی دهند .) و مجدداً آنها را به بیرون هدایت میکردند گریه های

عاشقانه و ناله زنان پاکدل نشان از توجه مردم به بزرگان دینی می باشد از خدا آرزو کردم که قسمتی از آه دل آنان را هم به ما عنایت کند پس از زیارت و ادای احترام به هتل برگشته پس از استراحتی مختصر آماده شدیم برای نماز مغرب و عشا ، پس از نماز به اتفاق هم کاروانیها به مسجد قمامه عازم شدیم که در موقع عبور از جلو بارگاه گنبد خضرا و قبر پیامبر اکرم (ص) تلفنی با علی و احسان فرزندان عزیزم صحبت کردم و در همانجا سلامشان را به روح پیامبر اکرم ابلاغ کردم و آرزوی توفیق حضور در این مکان مقدس و خوشبختی و نیک بختی را برایشان کردم.

روز پنجشنبه ساعت 3/30 صبح عازم مسجد النبی شدیم تا امکان حضور در روضه اصلی فراهم گردد که وقتی وارد مسجد النبی شدیم کاملاً آن منطقه از جمعیت پر شده بود و امکان حضور فراهم نشد ولی در پشت مکان اصحاب صفه و خانه پیامبر و حضرت فاطمه جا پیدا کرده و به نماز ، قرآن ، دعا پرداختیم تا ساعت 5/45 موقع اذان و نماز صبح به جماعت برگزار کردیم پهلوی ما یک زائر اندونزی که شکسته بسته چند کلمه صحبت داشتیم و جالب اینکه ایران را فقط با خمینی کبیر می شناسند و ایشان از اینکه با هم آشنا شدیم خوشحال بود و آرزو کردیم که مجدداً همدیگر را ببینیم . ساعت 10 صبح به اتفاق همسرم مقداری در شارع علی ابن ابیطالب راه رفتیم و پس از عرض احترام به پیشگاه رسول اکرم و ائمه بقیع و گرفتن 2 عدد عکس به هتل برگشتیم عصر در جلسه کاروان شرکت کردیم که موضوع ضرورت دعا مطرح گردید. و اعلام شد که هر چیری نیاز به علم و فلسفه دارد. در علم چگونگی انجام کار مطرح می شود ولی در فلسفه چرایی کار (هدف)

شب در برنامه دعای کامل شرکت کردیم که حضور پرشوری از مردم مشاهده شد و واقعا مردم بسیار خوب هستند ای کاش رهبران و بزرگان و دانشمندان هم قدری از خواب بیدار شوند و دین را فقط برای بعد از مردن مطرح نکنند در صورتیکه دین مجموعه چگونگی زندگی کردن در این دنیا و آخرت می باشد یا واقعا درک نمی کنند یا مردم را در نادانی نگه می دارند که هر دو حالت آن بسیار ناپسند است زیرا اسلام دین تعقل ، تفکر و ... میباشد و مبنای دریافت همه آنها حواس هست که خداوند تاکید کرده است ، روز جمعه به نماز صبح و

زیارت رسول الله وائمه بقیع مشرف شدیم و پس از استراحت ساعت 9/5 به اتفاق همسرم برای گشتن و خرید به بازار رفتیم که اولین خرید ما یک عدد قرآن کریم بود و خرید دیگری صورت نگرفت.

ظهر در نماز جمعه شرکت کردیم و حضور چشمگیر مردم، انسان را به شغف می آورد که چقدر مردم مسلمان دنیا خود را نیازمند به دین و عبادت می دانند ولی افسوس که رهبران دینی خوب بهره برداری نمی کنند و بیشتر به مسائل حاشیه ای یا خود برتر بینی خود را مطرح می کنند. در این میان مادر پیری گم شده بود که بسیار نگران و ناراحت بود این نشان می دهد که انسان وقتی درک کند گم شده است برای پیدا شدن خود هم ناراحت است و هم تلاش میکند که پیدا شود ولی وقتی گم شدگی خود را درک نمی کنیم همانند سایر حیوانات مشغول خوردن، خوابیدن و تعیش هستیم تا جبر زمانه ما را بمیراند و آن روز خود را پیدا میکنیم که دیر شده است بهر حال با پیگیری آن مادر را در اختیار مامورین امداد ایرانی قرار دادیم تا او را به کاروانش برگردانند. آنقدر خوشحال شد که جالب بود.

امیدوارم که بنده و امثال بنده هم روزی خود را پیدا کنیم و از این بابت خوشحال بشویم و زندگیمان هم با نشاط گردد. زیرا خداوند می فرماید اولیاء الله ترس و غمی ندارند اگر ما ترس و غم داریم به خاطر این است که خود را گم کرده ایم و از خدا دور شده ایم. و همه مشکلاتمان را با عقل ناقص میخواهیم حل کنیم [زهی خیال باطل](#) ساعت 15 به نماز عصر رفتیم و ساعت 16 در جلسه کاروان شرکت نموده و باز هم حرفهای تکراری و غیر کاربردی توسط دوستان روحانی.

بعد از نماز مغرب با همسرم قرار گذاشتیم ساعت 1830 در بین الحرمین زیارتی بخوانیم ولی مامورین سعودی از ایستادن در بین الحرمین جلوگیری کردند. بالاچاره از هم خدا حافظی و به داخل حرم رفتیم جالب است در چند روز گذشته امکان حضور در روضه اصلی کمتر فراهم شده بود و در حال رفتن به داخل مسجد بودم که باب النساء باز و به راحتی داخل روضه شدم و مدت 1/5 ساعت توفیق نماز عشاء و قرآن و دعا فراهم گردید ([عدو سبب خیر شود اگر خدا خواهد](#)) آن چیزی که انسان فکرش نمی کند برایش فراهم می شود در صورتیکه ما در بیرون

از حرم می خواستیم دعا کنیم ولی با ممانعت مامورین هدایت به داخل حرم شدیم **خداوند** می فرماید شما چیزی را می خواهید که شاید حقتان بیشتر از آن است لذا بهترین کار این است که انسان با تفکر و تلاش کارش را انجام دهد و مابقی را به خدا واگذار کند زیرا **خداوند** خیلی مهربان تر از خودمان به ما هست ولی ما کمتر درک می کنیم چون همه چیز را با دانش ناقص و نگاه منافع جویانه پیگیری می کنیم در صورتیکه **خداوند الرحمن الرحیم** هست و به همه میبخشد بستگی دارد که هر کس چقدر ظرفیت و تقاضا داشته باشد هر چند خداوند نیاز های عمومی همه مردم و مخلوقات را به یکسان تامین میکند . ولی بالاتر از آن بستگی به انسان دارد . امیدوارم که **خدا** توفیق بدهد تا به خودش ایمان واقعی بیاوریم زیرا خود فرموده است که **اولیاء الله** با ایمان به من و آخرت و عمل صالح ترس و غمی ندارند . و ما هم اگر ایمان واقعی داشته باشیم قطعاً زندگی آرام و سرشار از امید و نشاط خواهیم داشت .

در **مدینه منوره** فرصتی هست که سیره پیامبر و ائمه را انسان با مطالعه و تفکر مروری بکند . و زندگیش را بر آن اساس پی ریزی و انجام دهد . هر چند کمتر در طول سفر به این چیزها پرداخته میشود . و بیشتر به تحریک احساسات و مراسم ظاهری توجه می شود .

در صورتیکه در مدینه می توان به لحظه لحظه های زندگی پیامبر با اصحاب ، خانواده ، کودکان ، زنان ، دشمنان ، جاهلان و را ملاحظه کرد و مثل او در زندگی رفتار کرد .

و می شود در مدینه سیمای یک زن واقعی را در فاطمه مشاهده کرد زن در چهره های مختلف مادر ، زن ، همسر ، دختر ، پیرو ولایت ، تجلی جمال خدا ، عشق ، معلمی دوست داشتن مردم و...

می شود در مدینه از ایمان خفته در بقیع ، علم ، عبادت ، عشق ، حسن اخلاق ، امر به معروف و نهی

از منکر، چگونه مبارزه کردن در زمان نتوانستن ها (از امام حسن و امام سجاد (ع) ، انتشار دین و

علم و ایکاش اینهمه گریستن بر ائمه مقداری هم به سیره و روش آنان توجه کنیم که آنان

مصدق زندگی سالم هستند و ما اگر می خواهیم زندگی کنیم بایستی شیعه (پیرو واقعی) آنان باشیم

. و تنها احساسات مشکل گشا نمی باشد زیرا اساس وجود انسانی اندیشه و روح است که با اندیشیدن و عبادت به اوج می رسد . می شود در مدینه معجزه کار کردن پیامبر با مردمان کم سواد و منفعت طلب و ... را مشاهده کرد که چگونه با رفتارش امتی را به وجود آورد. ولی امروز پراکنده پراکنده و هر کس دلخوش به یافته های خود و به تکفیر یا تحقیر یکدیگر میپردازند و حتی عبادت مردم را شک دار می کنند و خود را بالاتر از پیامبر و علی می دانند پناه بر خدا ؟ که شیطان چگونه و با چه شکلی اعمال انسانها را زینت میدهد. ساعت 10 به مرکز تجاری طیبه رفتیم و گشتی زدیم و مقداری لباس خریداری کردیم و به هتل برگشته و پس از استراحت ، در نماز جماعت ظهر شرکت کردیم و ساعت 1430 عازم گشت زیارتی به اتفاق سایر اعضاء کاروان شدیم .



کوه احد در شمال مدینه قرار دارد . تعداد 70 شهید در این جنگ وجود داشته که حمزه سیدالشهدا و تعدادی در احد دفن و مابقی در قبرستان بقیع مدفون هستند . حيله دشمن و سادگی دوست و دنیا طلبی موجب پیروزی

مشرکین در این جنگ میشود. پس از خواندن زیارت و روزه برای حمزه سیدالشهدا و امام حسین (ع) عازم مسجد ذو القبلتین شدیم. و پس از نماز تحیت و نماز جماعت و عکس گرفتن برنامه تمام شد.



پیر مردی ترک زبان سؤال کرد پسر جان اینجا قبر کیست و چه کسی را زیارت میکنند که برایش توضیح داده شد که ای اینجا مسجد است و علت نامگذاری آن هم برایش توضیح داده شد. همچنین هجوم مردم برای خرید ساعت از وانتی چشمگیر بود که واقعا سادگی مردم و زرنگی عربها باعث فروش اجناس نامرغوب به مردم می شود. سپس بطرف مساجد سع حرکت کردیم و در مساجد سلمان فارسی و فتح و فاطمه زهرا 2 رکعت نماز تحیت خوانده شد و توسط روحانی توضیحاتی داده شد که سلمان پیشنهاد کنند خندق را داده و قضیه جنگ تن به تن امام علی و عبدود را بیان کردند مسجد جدید و بزرگی در جای مسجد علی (ع) در حال احداث بود علی الظاهر برنامه هست که بجای همه مساجد همین مسجد ساخته و جایگزین شود.



سپس به مسجد قبا رفته که در نماز مغرب شرکت کردیم نماز گزاران ایرانی با زیر انداز ، دستال کاغذی انگشتان و ... بعنوان مهر دیدنی هست و واقعا قرار است انسان اساس فتوا عمل کند یا بر اساس ذوق سلیقه روحانیون محترم کاروانها ، زیرا با این کارها بجای توجه به روح نماز بیشتر به ظاهر نماز توجه میشود و ایرانیها را علامت دار می کند خدا به همه عالمان قدرت تفکر و بصیرت عنایت فرمایند تا راهنمای واقعی مردم و آرامش دهنده آنان و هدایت مردم به سوی روح عبادات گردند تا پرداختن به موارد غیر مهم و غیر ضروری و تفرقه انداز .

پس از اقامه نماز مغرب و نماز تحیت در مسجد قبا ، عازم منطقه شیعه نشین مدینه شدیم و محلی که معروف که شرب ابراهیم (محل دفن مادر پسر رسول اسلام و مادر حضرت رضا (ع)) بود شدیم پس از عرض احترام به هتل برگشتیم .

صبح یکشنبه ساعت 5/20 عازم نماز صبح در مسجد النبی شدیم و پس از برگشتن بایستی وسایل را جمع آوری و تحویل کاروان می دادیم تا به مکه ارسال کنند .



واقعا عجیب است انسان تا موقع آسایش ظاهری می رسد همزمان بایستی دل کندن از آنها را تجربه کند بخصوص که این بار فقط حق داری همانند سفر مرگ فقط دو قطعه پارچه ندوخته باید همراه داشته باشی و به همه آنها که دلخوش کرده بودی و باعث تشخص و نمایش بود باید دل بکنی تا تمرینی باشد که مال دنیا متاعی (کوتاه مدت) بیش نیست و بایستی به فکر دیگری بود و آنهم از جنس غیر مال دنیا . وسایل را جمع آوری و در اختیار کاروان گذاشتیم و اطاق مملو از چمدانها یکباره خالی شد و همه آن دغدغه های هم کاروانها که چه بخریم و چکار کنیم یک باره به تعطیلی کشید چون می دانستند که نمیتوانند کاری بکنند مگر اینکه بعد از عمره تمتع و شروع زندگی جدید در مکه که نشان دهنده گمشده مشترک است زیرا وضعیت موجود برای هیچ کس آرامش بخش نیست و بایستی کاری دیگر بکنند و برای همین دست به دامن قدرتی فراتر از امکانات دنیایی می زنند و آنهم دعا که ارتباط مستقیم با ذات حضرت حق تعالی می باشد . ولی فکر می کنند که امثال بنده فقیر و بیچاره که در زمین وحی و معنویت قرار گرفته ایم بواسطه ارتباط برقرار شود امید وارم که خداوند توفیق عنایت فرماید تا خود گمشده ام را پیدا کنم و برای پیدا شدن دیگران هم تلاش کنم زیرا امروز بزرگترین گمشده "

خود انسان " است که موجب سرگردانی عجیبی شده است . در واقع هیچ فرصتی برای پیدا کردن خود است .

بعد از تحویل ساکها و استراحت در نماز جماعت ظهر و عصر شرکت نمودم ، فرصتی شد تا برای زیارت به بقیع بروم و زیارتی و توسلی داشته باشم سپس شب در نماز مغرب شرکت کرده و پس از حدود قرائت 15 صفحه قرآن از سوره آل عمران ، با حجت الاسلام راستگو برخورد داشتم که شاید حدود 26 سال همدیگر را ندیده بودیم ولی ایشان بنده را شناخت. از ایشان خواستم بهره برداری خودشان را از معصومین مدینه بیان کنند که فرمودند :

از حضرت رسول (ص) : رسالت الهی و امانتی که باید به آیندگان برسانیم .

حضرت امام حسن (ع) : مبارزه سیاسی

حضرت امام سجاد (ع) : تنوع فعالیت در قالب های کاری (دعا ، تربیت ، علم ، گردش گری و ...)

حضرت امام باقر (ع) : بهره گیری بهینه از اوضاع اجتماعی

حضرت امام صادق (ع) : گستره علوم الهی

حضرت زهرا (س) : لطافت کاری در تربیت ، شوهر داری و دفاع از ولایت

و سپس توفیق حضور در روضه النبی با لطف الهی حاصل شد و چند رکعت نماز به نیابت پدر و مادر و فرزندان و خواهران و برادران و فرزندان ایشان و همکاران و اعضاء محبان امام زمان اقامه کردم و سپس نماز عشا به جماعت خوانده و زیارت رسول اکرم (ص) به هتل برگشته ساعت 10 شب آقای پویا روحانی کاروان برای احوال پرسی و کنترل قرائت نماز تشریف آوردند و پس از قرائت نماز به ایشان اعلام شد چقدر خوب است در کنار اینهمه مسائل احکام مقداری هم در زمینه فلسفه حج (روح حج) صحبت شود چون اعمال بدون روح کمتر تحولی در انسان ایجاد می کند . ضمناً پیشنهاد شد رساله حقوق امام سجاد (ع) در مکه بشکلی مورد استفاده در کاروان قرار گیرد . صبح دوشنبه به مسجدالنبی برای نماز جماعت رفتیم و پس از برگشت آقای قاسمی هم اطاقی از خاطرات سال 36 بیان می کرد که در تهران هنوز لوله کشی نبود و مجبور بودیم از حوض انبارها آب برای آشامیدن و وضوآب برداشت کنیم . ویا شهر کاشان در سال 40 هنوز خیابانهایش خاکی بود در مقابل خاطراتی از سفر به اروپا و بخصوص فرانسه مطرح می کرد در همان زمان شهر های اروپا آنقدر تمیز بوده که خاک پیدا نمی شده است که اگر انسان تاریخ مملکت خود را نداند و اینکه در یک زمان کوتاه چقدر (با آنهمه

جهالتها و بی مسئولیتها) کارهای خوبی انجام شده است هر چند ایرانیها میتوانند و میتوانند با استفاده از راه رفته اروپائیه‌ها و غربیه‌ها زمان پیشرفت را کوتاه کنند ولی افسوس که بیشتر مردم و مسئولین یا خود را همه چیز دان می‌دانند و همچنین همه چیز را برای خود در صورتیکه بنیاد دین اسلام خواستن برای دیگران و جامعه و بعد خود است تا زمانی که این فرهنگ بوجود نیاید یقیناً سرعت پیشرفت فرهنگی و اجتماعی بسیار کند خواهد بود بخصوص که در طول سالیان دراز همیشه از احساسات مردم استفاده شده تا فکر آنان، همین باعث شد انسان هائی خود خواه و از خود راضی و تنبل و همه چیز خواه بار بیاییم و همیشه منتظر معجزه‌های کاری از دیگران برای خود هستیم در صورتیکه یک انسان با فرهنگ و متدین خود را مسئول پیشرفت خود و جامعه اش میداند و حتی اگر تنها باشد باز هم از تلاش نمی‌ایستد زیرا ایستادن و حرکت نداشتن یعنی گنبدیدن و پوک شدن و عادت به زندگی حیوانی پیدا کردن می‌شود.

بعد از نماز عصر در مسجدالنبی خدا توفیق داد که در روضه النبی حضور پیدا کرده و با یک نفر پاکستانی و نیجریه هم صحبت شویم دوست پاکستانی معلم بود و بسیار فعال و علاقه مند به ایجاد همبستگی بین مسلمانان بخصوص در ایام حج که ارتباط بین مسلمانان بیشتر شود. و از اینکه بیایند و بروند چه حاصل؟ دومی گفت بخاطر تفرقه مسلمین باعث عزت کافران و ذلت مسلمین شده است و تا زمانیکه این باشد اتفاقی نخواهد افتاد. ضمناً آدرس خودش را در پاکستان داد تا مکاتبه داشته باشیم واقعیت تلخی است که هر سال حدود 2/5 میلیون نفر مسلمان با چه هزینه سنگینی به سرزمین وحی می‌آیند و عمدتاً به عبادت عادت بی روح پرداخته می‌شود و در نتیجه انتقال تجربه و مشکلات و روشنگری خیلی ناچیز وجود دارد چون آدمها به همین عبادت عادت توجیه میکنند و رهبران‌شان هم همینطور شاید اینگونه حج خیلی خوشایند دشمنان داخلی و خارجی مسلمانان باشد. زیرا هیچ مشکلی را که برای آنان ایجاد نمی‌کند و شاید هم برای خود افراد تحولی! لذا 2/5 میلیون اگر هر کدام بطور متوسط 60 روز از کار افتادگی داشته باشند جمعا 150000000 می‌لایون روز و یا 15 میلیون

سال از عمر مسلمانان با نتیجه بسیار کم از بین می رود که منافع اینگونه حج بیشتر به نفع پولداران (فروش اجناس و تولید بیشتر) و قدرتمندان بی ضرری اینگونه حج و آسودگی آنان از طرف مسلمانان برای چپاولگری بیشتر و توجیه اینگونه مراسم توسط عالمان و رهبران مذهبی نادان یا در خدمت حکومت های جور (برای خدمت بیشتر مسلمانان به پولداران و زورمندان) و در صورتیکه قرار بود در حج با شناخت و شعور قدرت مبارزه با 3 گروه **زر- زور و تزویر** پیدا کنند و در منی با کوبیدن تیرها (سنگ ها) بر سربت ها موحد شوند ولی خیلی ها می آیند و می روند ولی بندگان خدا به همین عبادات بی ضرر مشغول می شوند هر چند خود این هم نعمتی است تا شعار **اکبر و محمد رسول الله** در جهان حفظ شود زیرا با دیدن چهره های معصوم، سوخته، و زحمتکش حاجیان شاهد عشق و شوق در وجودشان هست زیرا همین اندازه اسلام را درک کرده اند و یقیناً خداوند از آنان قبول خواهد کرد ولی از رهبرانشان بعید است بعد از اقامه نماز مغرب و عشا و زیارت قبر رسول عشق و محبت به هتل برگشتم تا استراحتی و انرژی و باز توفیق دیگری در **مسجد النبی**.



ساعت 9/20 عازم مسجد النبی شدیم تا زیارتی و خدا حافظی داشته باشیم ، خیلی التماس دعا گفته بودند و آنهم به بنده حقیر مثل من؟ ولی امیدوارم که خداوند رحمان و رحیم و پیامبر (ص) و زهرا (س) آنچه که برایشان صلاح هست عنایت فرمایند و عاقبت همه ختم به خیر شود. از آقای قرائتی در مورد هدیه از معصوم سؤال کردم جواب درستی ندادند و گفتند همه ما میدانیم آنها از ما چه می خواهند ولی خودمان را به گیجی زده ایم و آقایان و خانمها قیمت یک پیراهن را در مدینه بهتر از زندگی و پیام زهرا و ائمه دارند و بدنبال آن هستند و نیاز به درس جدید نیست همانها را که بلد هستیم عمل کنیم . سپس از آیت الله صانعی سؤال کردم ایشان فرمودند:

از حضرت رسول (ص): اخلاق خوب را

از حضرت امام حسن (ع): حلم و بردباری را

از حضرت امام سجاد (ع): چگونگی دعا و عبادت را

از حضرت امام باقر و صادق (ع): ترویج مذهب و بیان احکام و تحمل فشارها برای حفظ مذهب

از حضرت زهرا (س): فداکاری برای اسلام برای حاکمیت اسلام.

بعد از چند رکعت نماز که به نیابت از همه عزیزان که التماس دعا گفته بودند و همچنین فرزندانم و برادران و

خواهران اقامه نموده که ساعت 23 حرم تعطیل شد . و به جمع کاروان پیوسته تا جمعی زیارت وداع با پیامبر اسلام

(ص) و حضرت زهرا (س) و ائمه بقیع را قرائت کنیم حال و هوای عجیبی فراهم شده بود زیرا خدا حافظی و دل کردن کار سختی است ولی همه اینها تمرینی است که این دنیا یک مسافرت است و فقط روزهایش متفاوت است و بایستی دل کند و راهی شد .

ضمناً کاروان جانبازان هم در مجاورت کاروان ما مشغول عزاداری بودند واقعا مداح محترم معرکه گرفته بود بنده که عقلم نمی رسد ولی خدا کند مورد رضایت خدا و ائمه باشد چون آنها شهید شدند که درس عزت و شرافت و زندگی سالم مطابق دین داشته باشیم نه آنکه برای گریاندن مردم و آنهم با چه اعمال و حرکاتی که مورد توجه و بهت زائران و مجاورین شده بود که این چه کار است که می کنند با توجه به موارد فوق واقعا قابل تحمل نبود چند دقیقه به اتفاق همسر در حرم بیرونی مرقد پیامبر شدیم و سلامی و قدمی زدیم و برای استراحت حدود ساعت 1240 برگشتیم .

صبح بعد از نماز صبح و سلامی به پیامبر و ائمه بقیع و انجام غسل کم کم آماده رفتن به مکه شدیم و ساعت 11 برای آخرین بار به مسجد النبی رفته و در قسمت اصلی مسجد قرار گرفتیم عجب حال و

هوایی تمام شدن ایام مدینه و خدا حافظی و یاد عزیزان و التماس دعا گویی آنان همه دست به دست هم داد تا حال خوبی پیدا کنیم و خیلی خودمانی از همه چیز با پیامبر صحبت کنیم تا شاید تو فیقی باشد در باقیمانده عمر ذره ای از سیره او را در زندگی فردی ، خانوادگی و دوستان و مردم عمل کنیم چون هدف زیارت درس آموزی است . نه فقط ادای احترام و گریه و زاری که آنها همبه نوبه خود خوب و لازم است ولی کافی نیست چون بزرگان دین آمدند که با بیان حقایق و عمل به آنها ما را هدایت کنند نه آنکه هر طوری زندگی کنیم و بعد توقع شفاعت آنها را داشته باشیم که خداوند در مورد فرزندان پیامبران خارج از عدالت آنها را نیز به شفاعت نپذیرفت چطور ما خود را به گنجی زده به جای درس آموزی توقع شفاعت آنهم از نوع بخشش داریم . بعد از نماز ظهر و عصر و

خدا حافظی از پیامبر ، حضرت فاطمه و ائمه بقیع به هتل آمدیم .



ساعت 15 به اتوبیل ها سوار شدیم مدت 3 ساعت متأسفانه برای مسائل امنیتی و گذرنامه داخل اتوبوسها منتظر بودیم تا مجوز عبور داده شد. به مسجد شجره رسیدیم وضو گرفته و داخل مسجد شجره نماز مغرب و عشا و تحیت خوانده شد و آماده برای محرم شدن شدیم واقعاً چه حال و هوایی، دقیقاً صحنه مرگ. دل کندن از همه تعلقات دنیا زیرا همه چیز برایت حرام می شود و **تو هستی و دو تکه لباس ندوخته.**

واقعا اگر باور کنیم که حاصل زحمات مادی ما در همین حد آنهم در حدود 10 هزار تومان پس چرا آنقدر به خودمان زحمت میدهم و از همراه برای بدست آوردن پول خودمان را ضایع می کنیم.

پس اولین برداشت در میقات، مردن و دل کندن از همه تعلقات دنیا می باشد و سپس هستی به معنای واقعی.

اما محرم شدن آنهم از طرف عزیزانی که همه امید و آرزوهایت بود و توقع داشتی روزی او برای تو به نیابت حج کند ولی حال تو باید اینکار را بکنی بسیار سخت است ولی چه باید کرد؟ آنچه از خدا رسد خیر است و ما نمی دانیم.



محرم شدن از طرف فرزندانم انجام دادم و در واقع عمره تمتع و حج تمتع به نیابت از آنان شروع شد. دومین مرحله بعد از محرم شدن چگونگی زندگی کردن است زیرا در زمان احرام باید 4 ارتباط درست داشته باشی

1- با خدایت

2- با خودت

3- با دیگران

4- با موجودات و طبیعت

(این چهار ارتباط یعنی دین)

که علامه جعفری می فرماید دین یعنی همین 4 ارتباط که در زمان احرام باید رعایت شود و واقعا اگر انسان همیشه احساس محرم بودن را داشته باشد چقدر زندگی آرام و شیرین و لذت بخشی خواهد داشت امید وارم که

خدا توفیق دهد تا همه حاجیان و بنده رو سیاه آن را درک کنیم که این اعمال فقط برای منطقه مکه نیست بلکه برای کل زمین خدا و همه زمان خدا صدق می کند در مکه فقط در قالب مکان و زمان تمرین می شود تا بعدا بر این الگو ادامه دهیم.

ساعت 9 شب از مسجد شجره حرکت کردیم ساعت 4/30 صبح روز چهارشنبه به محل اقامت رسیدیم فقط فرصت داشتیم تجدید وضو کرده و آماده شویم برای طواف ، ساعت 5 صبح با اتوبوسهای در نظر گرفته شد به طرف مسجدالحرام حرکت کردیم که نماز صبح مسجدالحرام تمام شده بود و خودمان به جماعت برگزار کردیم و سپس در 3 گروه 70 نفره برای طواف وارد مسجدالحرام شدیم .



خدا یا چه عظمتی و چه قلبهایی که با عشق به خودت در تب و تاب بودند و ما هم ذره ای ناچیز در دریای انسانهای عاشق ولی بی ادعا قرار گرفتیم بعلت شلوغی بعد از صبح مدتی را تحمل کردیم و سپس به آرامی در

جریان طواف کنندگان قرار گرفتیم و شروع به طواف کردیم با توجه به شلوغی مانوانستیم همراه کاروان باشیم 4 نفری خودمان طواف را انجام دادیم بدون آنکه کوچکترین مشکلی برای دیگران ایجاد کنیم چون کاروانی طواف کردن نا خود آگاه برای مردم مشکل ایجاد می کند پس از طواف برای نماز طواف پشت مقام ابراهیم قرار گرفته و شروع به نماز کردیم ولی در سجده رکعت اول مردم هجوم آورده و توانسیم به سلامتی از فشار مردم خلاصی پیدا کنم و مجدداً کمی عقب تر نماز طواف را بخوانم.

سپس سعی صفا و مروه را شروع کردیم و پس از 7 بار و تقصیر عمره تمتع با یاری خداوند متعال به اتمام رسید. و به هتل برگشتیم و از احرام خارج شدیم و استراحتی و تجدید قوایی نمودیم، بعد از ظهر در جلسه کاروان شرکت و آقایان روحانیون، مستحبات و ادعیه وارده در مکه را بیان کردند و توصیه های کلی بر تحمل زندگی مشترک به دوستان و سازگاری با وضعیت موجود را گفتند زیرا بعضی از هم کاروانیها از وضعیت محل اقامت راضی نبودند در حالیکه مدیر محترم کاروان قبلاً وضعیت را بارها در ایران گفتند. تا موقع استقرار در مکه موجب اعتراض واقع نشود. واقعاً کاروان داری کار سختی است آنهم راضی کردن آدمها با فرهنگ ها و تحصیلات بسیار متنوع (بی سواد - روستایی - راننده - کارمند - کاسب - معلم و ..) در صورتیکه عوامل کاروان همه لیسانس یا فوق لیسانس واقعاً خوشا به حال این عزیزان که چقدر صادقانه در خدمت زائران خانه خدا هستند و چقدر عشق می کنند ولی بعضی از هم کاروانیهای خود بین و رها نشده از خود کاذب موجب دلخوری آنها را فراهم می کنند ولی آنها باز هم با روی خوش در خدمت زائران هستند. خدایا به ما هم از آنچه به آنها خورانیده ای جرعه ای عنایت کن تا عشق ورزی را یاد بگیریم و در هر شرایط خود را در محضر خودت حس کنیم و نا ملایمات ما را به خودمان مشغول نکند. ساعت 18 عصر با اتوبوس های مخصوص حجاج ایرانی به مسجد الحرام رفتیم و پس از اقامه نماز مغرب و عشا قرار بود به طواف برویم ولی گم شدن یکی از همراهان و سرگردانی موجب نگرانی شد که پس از تلفن های مکرر به محل اقامت مشخص شد که ایشان ناچاراً به هتل برگشته است واقعاً گمشدگی آن هم در کشور غریب کار بسیار سختی است زیرا همه نگران هستند!

بسیاری از ماها در طول زندگی گم‌شده هستیم ولی درک نمی‌کنیم و راحت در حال خوردن ،
 خوابیدن و تعیش هستیم و زمانی درک می‌کنیم که دیر شده است . شاید این تجربه گم‌شدگی
 امتحانی برای ما بود که مواظب باشیم که در طول زندگی در محضر خدا گم نشویم و همچنین تمرین
 هایی که در ایام محرم شدن داشتیم در ادامه راه چگونه زندگی کردن و مشکلات و نگرانیها را تحمل
 کنیم ولی افسوس ما انسانها کم ظرفیت و عجز هستیم به محض بوجود آمدن مشکل خدا را در
 زندگیمان فراموش می‌کنیم و فقط بر اساس احساس و عقل ناقص خود تلاش می‌کنیم در صورتیکه
 همراه تلاش توکل به خداوند معجزه می‌آفریند خدایا به ما توفیق ده در همه حال خود را در محضر تو
 احساس کنیم و عشق حضور را به ما عنایت فرما تا همواره از لحظه لحظه زندگیمان لذت ببریم زیرا
 وقتی تو را داریم غمی باقی نمی‌ماند اگر غمی در زندگی ما هست همان لحظه گم شدگی ما از
 حضور توست امید وارم که به لطف خودت و اولیاء ات و زائران عاشقت توفیق لذت از حضورت
 بودن در این سفر بفرمائی و بزرگترین درخواستم برای خودم و همه کسانی که التماس دعا گفته اند
 همین است که ماها خود را در محضر تو حس کنیم و با آن زندگی کنیم و با آن عشق ورزی کنیم
 که زندگی یعنی امروز و عشق ورزی به خودت زیرا همه آنها جلوه هایی از جمال و جلال خودت
 هستند بطوریکه باور کنیم :

به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست عاشق ام بر همه عالم که همه عالم از اوست

در واقع روح حج هم همین است که عشق ورزی به خدا و مخلوقات او (جلوه های جمال و جلال او) هست و لا
 غیر. اگر دین را اینگونه باور کنیم دیگر فکر نمی‌کنیم که دین یعنی دستورات سخت و دست و پا گیر بلکه
 دین را خود زندگی می‌دانیم و زندگی یعنی عشق و برای ابراز این عشق بایستی :

1- با حضرت حق : از طریق نماز ، روزه ، حج و ...

2- با مخلوقات او : از طریق انفاق ، امر به معروف و نهی از منکر ، روزه ، زکات و خمس

در بیرون به نمایش بگذاری تا جلوه های عشق در بیرون نمایانگر شود. زیرا عشق بدون بیان شیرین نیست همانطور که اگر انسان همسر و فرزندانش را دوست دارد بایستی این عشق را در بیرون از خودش با زبان و قلم، دست و ... نشان دهد در غیر این صورت موجب دوری آنها از همدیگر میشود. هرچند خداوند بر هر نوع نیت و فکر ما آگاهی دارد ولی دوست دارد این عشق ورزی آشکار باشد تا دیگر مخلوقاتش هم از چگونگی عشق ورزی بنده اش با اوشاد شوند.

پس خدایا به بنده ناچیزت و و همه بزرگوارانی که التماس دعا گفته اند و به همسفران توفیق عشق ورزی را عنایت بفرما تا با درک واقعی دین و پرداختن به روح آن یعنی زندگی در محضر تو، به دستور خودت و پیامبرت عمل کنیم.

پس دین یعنی زندگی آسان زیرا خداوند در سوره حج (آیه 78) می فرماید:

و ما جعل علیکم فی الدین من حرج

(خداوند در دین بر شما کار مشقت بار تکلیف نکرده است)

و یا رسول اسلام می فرمایند: نعتی بالحنیفه السهله السمعه

(خداوند مرا به دین آسان مبعوث کرده است.)

با توجه به برنامه ریزی قرار شد روز پنجشنبه صبح را در هتل استراحت و ساعت 3 به مسجدالحرام مشرف شویم که فرصت خوبی بود تا قسمتی از کتاب وصایای استاد علامه کرباسچیان را مطالعه کنم و آن هم قسمت ویژه گیهای یک معلم که در واقع همه ما به نوعی معلم هستیم ولی به نام پدر و مادر، مدیر، همکار، معلم، استاد، روحانی، کشاورز، کاسب که چکیده آن به شرح زیر است که خدا رحمتش کند که چقدر دین را خوب درک کرده و با عمل به آنها چه انسان های وارسته ای را تربیت کرده است در صورتیکه بسیاری از ما ها به نام دین جوانها را از دین گریزان می کنیم که باید پناه بر خدا ببریم و مرتب توبه کنیم که نه آنکه به رسالت پیامبر عمل نکرده ایم بلکه به جبهه دشمن هم کمک کرده ایم.

۱- نظم و دقت (باعث صرفه جویی منابع) در ابعاد مختلف زندگی می شود

۲- عفو و گذشت داشتن (با کمال صدق و محبت را دیدن نه نقص و گناه را)

۳- عیب پوشی (هر آن که بی هنر افتد نظر به عیب کند)

۴- تواضع و فروتنی

نبیند مدعی جز خویشان را که دارد پرده پندار در پیش گرت چشم خدایینی ببخشد نبینی هیچ کس عاجز تر از خویش

اخلاص یعنی اراده خود را در اراده حق فانی کردن که روح عبادت هم همین

است

۵- **وارستگی و قناعت** : تنها با اعتقاد به رزاق بودن خدا صفت قناعت در انسان تقویت میشود .

وارسته را به جذبه دهند امتیاز خوب کی کهر با رباید کاهی که در گل است

۶- **سلامتی** در ابعاد جسمی ، روحی و روانی زیرا پیامبر اسلام می فرمایند : پایه دین سلامتی است و اگر

انسان در ابعاد مختلف سالم نباشد دینش کامل نیست

۷- **نشاط** : زمانی نشاط بوجود میآید که انسان محبت دنیا را از دل خارج کند زیرا متاع دنیا

غصه

آوراست .

جهان یکسر به کام خویش دیدم چون بنهادم برون از خویش کامی

۸- **آرامش روحی** اگر انسان باور کند غیر از انبیا و امامان همه اشتباه و نقص دارند دیگر از فکر و عمل

آنها ناراحت نمیشود و شرط دوست داشتن دیگران به شرح موارد ذیل قبول می کند :

الف (همدلی (قبول دیگران با این درک که میتوانند جور دیگری فکر کنند)

ب (آزاد بودن از فکر و وابستگی به مادیات

ج (قناعت و ساده زیستی

10- **تمرکز روحی داشتن :**

ز فکر تفرقه باز آی ، تا شوی مجموع به حکم آن که ، چو شد اهرمن ، سروش آمد

وصایای استاد برای خودم حداقل موقع مطالعه و یاد داشت برداری آنهم در حرم خدا بسیار تاثیر گذار بود امیدوارم توفیق یابم در باقیمانده عمرم به آنها عمل کنم. زیرا عمل به آنها یعنی از خود شروع کردن و این شروعی خوب است. زیرا شرط موفقیت در زندگی توقع از خود و عمل به دستورات زندگی است نه از دیگران در صورتیکه جامعه ما همه از دیگران توقع دارند و همه بر دیگران مدیریت می کنند یعنی منتظر هستند دیگران آنها را خوشبخت کنند که هیچوقت عملی نمی شود این یعنی داشتن مردمانی پر توقع و بی مسئولیت که شعارشان بیشتر از عمل و نگاه منفی داشتن و غرزدنشان بیشتر از شکر گذاری و مثبت بینی است در واقع به نوعی جامعه ای **مشرک و ناامید** که بالاترین گناه در اسلام. که خداوند این گناه را نمی بخشد پس باید از خداوند بخواهیم و تلاش کنیم از خود شروع کنیم و مثبت های دیگران را ببینیم و به داشته های خود شکرگذار باشیم و زمینه ساز خانواده و جامعه ای با اعتماد بنفس و خود اتکاء و با مردمان مسئولیت پذیر یقینا آن روز روز عزت و سربلندی خواهد بود در غیر این صورت با فرهنگ موجود هر چند به نام اسلام! روز بروز بر ذلت ما افزوده خواهد شد هر چند ظواهر کارها خوب جلوه کند.

ولی کرامت انسانها در مجموع لگد کوب خواهد شد. در صورتیکه یک جامعه انسانی ارزشش با کرامت انسانها ست نه به برجها، عنوانها، مدارک دانشگاهی و.....

خدایا کمک کن تا دین اسلام از مظلومیت خارج شود تا انسانهای تشنه از چشمه سار آن سیراب و از این گمگشتگی نجات پیدا کنند.

همچنین برای اولین بار نماز 2 رکعتی **دحوالارض** را که 2 رکعت است و در هر رکعت بعد از قرائت حمد 5 بار سوره شمس خوانده میشود اقامه کردم (این نماز در هر سال یک بار در 25 ذی القعدة خوانده می شود). بعد از ظهر ساعت 15 به اتفاق همسرم عازم مسجد الحرام شدیم که به محض ورود نماز جماعت عصر شروع شد پس از اقامه نماز ظهر و عصر در قسمت رو باز مسجدالحرام مدتی نشسته و به طواف کنندگان و خانه با عظمت خداوند

نظاره گر بودیم تصمیم گرفتیم طوافی را به نیابت انجام دهیم پس از یک بار دور زدن به علت شلوغی صرف نظر کردیم چون امکان 7 شوط قبل از نماز مغرب میسر نمی شد . همسرم جهت قرائت قرآن و نماز به قسمت خانمها تشریف بردند من هم نماز و قرآن را قرائت کردم تا اذان مغرب خوانده شد نماز مغرب را به جماعت و عشا را فرادا خوانده و ساعت 7 شب به محل اقامت برگشتیم تا چنانچه توفیق حاصل شود ساعت 12 شب عازم حرم شویم .

رساله حقوق امام سجاد (ع) تحویل یکی از روحانیون کاروان شد تا صلاح دانستند شبی 10 دقیقه در این زمینه صحبت کنند زیرا آشنایی و عمل به آن ها یکی از بهترین دستاورد های حج برای ما خواهد بود . بعد از نیم ساعت شرکت در جلسه کاروان به اتفاق خانم به مسجد الحرام مشرف شدیم بسیار خلوت بود و توفیق حاصل شد به نیابت دوستان و اقوام و فرزندان طواف انجام دهیم . واقعا طواف لذت بخش است بخصوص تلاش آدمهایی با چهره ها ، ملیت ها و زبانهای مختلف در دور خانه خدا .

زیرا بودن انسان فقط با خدا و مردم معنی پیدا می کند در غیر این صورت در کوتاه مدت دچار پوچی و از خود بیگانگی خواهد شد .

قرآن هم با بسم الله الرحمن الرحیم شروع و با سوره الناس (مردم) ختم شده است یعنی با خدا شروع شدن و به مردم منتهی گشتن این نشان آن دارد که اسلام دین با مردم بودن است نه فقط در خلوتکده ها ، معبد ها و مساجد .

برای طواف به شیعه تاکید شده که در فاصله خانه خدا و مقام ابراهیم انجام شود تا انسان مدار چرخش بین خدا و رهبری صورت گیرد . چنانچه رهبری حذف شود امکان اینکه بر دور خیلی چیز ها چرخید وجود دارد طواف بر دور خود ، پول ، فرزند ، خانه ، مقام ، علم و... البته در طواف مستحبی برای جلوگیری از مزاحمت برای طواف کنندگان عمره تمتع خارج از مقام ابراهیم انجام دادیم چون اعمال مستحبی نباید حقوق دیگران را ضایع کند . بعد از نماز طواف و اقامه چند رکعت نماز و قرائت چند صفحه قرآن ساعت 3 صبح عازم محل اقامت شدیم .

جمعه صبح پس از استراحت در دعای ندبه شرکت کردیم عجب حال و هوایی آنهم در حرم الهی. زیرا انتظار مهدی و انتظار دیدن عزیزی که همه وجودت بود کار سختی است ولی چه باید کرد آنها ما را می بینند و ما بخاطر پرده های دنیایی و مشغله های آن محروم هستیم خدایا امتحان سختی بود ولی ما آنقدر درک نداریم که چه چیز مصلحت ما است پس راضی به رضای تو هستیم. فرصتی پیش آمد قسمتی از قرآن کریم و کتاب طب روح دکتر بهرام الهی را در زمینه آدم که متشکل از دو جزء فیزیکی و مجرد تشکیل شده است مطالعه کنم و مقایسه 2 جزء و چگونگی ارتباط آنها با همدیگر و حفظ تعادل کار کرد هر کدام بیان داشته است بطوریکه جزء فیزیکی انسان توسط سیستم های تنظیم کننده خود کار در شرایط بهم خوردن تعادل تنظیم می شود ولی جزء مجرد که روح ملکوتی است بستگی به توجه و تلاش و تقویت خود انسان دارد که چنانچه هر چقدر بیشتر فضیلت های الهی رشد کرده باشد رشد و کمال انسان بیشتر خواهد بود. و بر عکس بی توجهی به آن یا مداوم نداشتن در رشد آن موجب رشد ابعاد خودی و خود خواهی خواهد شد که هم برای خودش و هم برای جامعه مشکل آفرین می شود.

ساعت 4 بعد از ظهر به اتفاق همسر به مسجدالحرام مشرف شدیم توفیقی شد که در نماز جماعت مغرب شرکت کرده و نماز عشا و مستحبی را اقامه کنیم. در همین فرصت دو نفر از روحانیون محترم کاروان را را دیدم که صحبتی با آنان داشتیم از اینکه مسلمانان و حاجیان چرا اینقدر کثیف و غیر بهداشتی هستند در صورتیکه پایه دین نظافت است بهداشت را نصف دین یا پایه دین دانسته است چرا مسلمانان به آن توجه نمی کنند یکی از درد های جامعه اسلامی است زیرا مشاهده چهره های نا مرتب و بعضا مجسمه بیمارها دل آدم به درد می آید چرا رهبران دینی و حکومت های به اصطلاح دینی به این مسائل کمتر توجه می کنند. ای کاش سازمان کنفرانس اسلامی با سمینارهای مرتبط با حج به این مسائل هم بپردازند و فقط به شکل ظاهری حج توجه نکنند زیرا حج کلاس درس عملی اسلام در ابعاد مختلف (بهداشت، تغذیه، ارتباط با مردم، ارتباط با خود،

چگونگی بکارگیری در نیروی خدادادی فکر و اندیشه و چگونگی مبارزه با عوامل سد کننده رشد انسان و ...)

است ولی کمتر به این چیزها توجه می‌شود واقعا بعضی وقت‌ها انسان احساس می‌کند که دشمنان اسلام کمک به برگزاری اینگونه حج می‌کنند تا شکل حج حفظ ولی روح حج تعطیل. در صورتیکه امکانات بهداشتی بسیار خوبی در مدینه و مکه فراهم شده ولی حاجی پاکستانی یا بنگلادشی ... با پای برهنه به توالی می‌رود و پس از وضو گرفتن با همان وضعیت وارد مسجدالحرام می‌شود.

ضمنا در برگشت به هتل یکی از رانندگان اتوبوس می‌گفت من 3 سال است در حج در خدمت زائران ایرانی و اندونزی هستم ولی از برخورد زائران ایرانی تعجب می‌کرد و می‌گفت:

زائرین اندونزی ساکت زائرین ایرانی پر سر و صدا ولی زائرین اندونزی منظم زائرین ایرانی بی نظم زائرین اندونزی حقوق دیگران را رعایت میکنند.

ولی زائرین ایرانی حقوق دیگران را رعایت نمی‌کنند. بطوریکه انسان احساس می‌کند ایرانیها

عصبانی مضطرب و در حال دعوا هستند.

آیا واقعا باید در مورد ایرانیها آنهم یک راننده اینگونه قضاوت کند که البته قضاوتش درست است ولی کسی

برای اصلاح این امور توجه نمی‌کنند زیرا همه اش به ظواهر کارها و شکل حج و غذای زائر توجه میکنند و

کمتر به چگونگی ارتباط انسان‌ها توجه می‌شود و اصلا حج یعنی اینکه انسان تمرین کند چگونه با خدا ارتباط

برقرار کند بدون مزاحمت دیگران. با خود به عدالت رفتار کند و از هر گونه اقدامی که موجب برهم زدن تعادل

خودش می‌شود خود داری نماید با دیگران به عدالت بر اساس حفظ کرامت انسانی داشته باشد. چون همه اینها

یعنی دین نه آنکه بر دور خانه خدا آنهم مستحبی طواف کنی ولی در بیرون از خانه خدا واجبات را ترک کنی

که عمداً اینگونه هستیم چون بر کارهایی که میکنیم تفکر و اندیشه نمی‌کنیم در صورتیکه **پیامبر اسلام می**

فرماید مغز عبادت تفکر است ولی ما به پوسته عبادت می‌پردازیم که بعضا جز زحمت برای خود و دیگران

ارمغانی ندارد خدایا کمک کن تا اندیشمندان و تحصیل کرده گان و علما ما به وظیفه خود به درستی عمل کنند

. و خود را دنباله رو عادت های غلط یا مردم عادی یا غیر مستقیم در خدمت دشمنان تو نباشند. چون در 2 حالت

خیانت به دین تو و مردم تو می باشد که خودت فرمودی بعضی علما حقیقت را خیلی ارزان می فروشند بطوریکه بعضی از اینها از حیوانات هم پست تر هستند راه خروج از این تکرار ها عمل به سیره و روش پیامبر اکرم در مورد خود یابی و خود سازی و دیگر سازی می باشد که خداوند او را الگوی ما قرار دادند تا همانند او یاد بگیریم عمل کنیم و به دیگران تبلیغ کنیم در غیر این صورت همان فرمایش خداوند مشمول ما خواهد شد . که *اتامرون الناس بالبر و تسنون انفسکم* (آیا دیگران را به خیر و نیکی امر میکنید ولی از خودتان فراموش می کنید .) امروز مشکل جوامع اسلامی خود فراموشی است که دیگران را دعوت به اسلام می کنند ولی خودشان را فراموش کرده اند .

ساعت 12 شب به اتفاق همسرم به مسجدالحرام مشرف و برای پدر و مادر و فرزندانم طواف انجام شد . و بعد از نماز طواف دعای مشلول که بیانگر صفات جمال و جلال خداوند و درخواست عنایتش به انسان ضعیف می باشد قرائت شد.

دعای بسیار جالبی است که انسان در کنار خانه خدا این صفات را به زبان بیاورد برای کسب آنها در زندگی نه فقط برای خواندن . خدایا خودت عنایتی کن که به همان اندازه که یاد می گیریم یا می گوئیم عمل کنیم زیرا نیاز های دانستنی برای زندگی خوب موجود است ولی کمتر عمل میکنیم . ساعت 2 شب از حرم خارج شدیم برای برگشت به هتل جالب است در حاشیه حرم خانه خدا کاخ ها سر به فلک کشیده شاهان و در محل سوار شدن به اتوبوس ها زنان و کودکان مستضعفی که در بدترین شرایط بهداشتی گدایی یا مشغول فروش لوازم برای امرار معاش هستند بطوریکه شب ها هم در شرایط بسیار آلوده و غیر بهداشتی می خوابند . خدایا آدم چطور باور کند که در کنار خانه خودت شاهان و مستضعفین با هم حضور دارند که یکی از پر خوری و دیگری از گرسنگی خوابش نمی برد و جالب است که همه ما این صحنه ها را می بینیم و به راحتی از کنار آنها می گذریم و حتی در هتل های محل اقامت غذاهای اضافی را به زباله دان می ریزیم . این یعنی حج بی مسئولیت که حتی در فاصله زمانی کمی بعد از خروج از احرام تمام آن تمرینها فراموش و دوباره *روزمگی و بی خاصیتی* شروع می شود و بدون

اینکه بیندیشیم آن هم محرمات و فلسفه آنها و مسئولیتهای بعد از آن چه بود و مغرور از آن که عمره تمتع را تمام کردیم؟! بدون اینکه مسئولیت و رسالت جدیدی را بر ایمان به ارمغان آورده باشد.

در حرم مشغول خواندن آیات آخر سوره اعراف بودم که به آیه 189 برخورد کردم که خداوند می فرماید ما برای شما زوجی از جنس خودتان آفریدیم تا با همدیگر آرامش و سکون پیدا کنید و فکر می کنم این آیه شاید تنها آیه ای باشد که از خودمان باید سؤال کنیم چقدر ما مسلمانان و بخصوص در ایران شیعیان به این آیه شریف عمل می کنیم زیرا بر اساس آمار حدود 75٪ زوج ها از زندگی لذت نمی برند یعنی نه آنکه تسکین دهنده همدیگر نیستند بلکه باعث بهم خوردن آرامش خاطر هم هستند (به بعضی از آیه های قرآن که صرفاً جنبه شخصی دارد خیلی پرداخته می شود ولی آیاتی که جنبه حقوق دیگران است بخاطر خود خواهی و خود پرستی یا عمل نمی کنیم یا قبول نداریم در صورتیکه همه به حرف قبول داریم رعایت حق الناس مهمترین وظیفه یک انسان مسلمان می باشد. نه صرفاً پرداختن به اعمال فردی و مستحبی، زیارت و روزه خوانی و گریه سفره ابوالفضل و مجلس عزاداری.

خدایا من هم آیه فوق را درک نکردم و مثل خیلی ها بعضی **موهومات** برایم اصل شده بود ولی امید وارم با عنایت خودت جبران کنم هر چند جبران بعضی چیزها سخت است ولی خودت گفتی از هر موقع که فهمیدید، توبه (بازگشت) کنید تا شما را ببخشم و بنده هم در کنار خانه خودت توبه می کنم که در همه شرایط حقوق مخلوقات را (انسان ها ، حیوانات و ..) در اولویت قرار دهم بخصوص در خانواده خودم ، خدایا خودت قبول کن زیرا اگر قبول نکنی کار دیگری بلد نیستم.

روز شنبه به علت سرما خوردگی استراحت کردم و عصر به اتفاق کاروان تا حرم برای بازدید از اماکن تاریخی و مقدس همراه بودم ولی بعلت تکراری بودن وارد مسجد النبی شده و به نماز مستحبی و قرائت قرآن کریم پرداختم و پس از اقامه نماز مغرب و عشاء به فرادا به هتل برگشتم کتاب وصایای استاد علامه کرباسچیان را به روحانی کاروان برای مطالعه دادم که خیلی خوشش آمده بود مجدداً ساعت 3 صبح یکشنبه به اتفاق همسرم

برای طواف و نماز صبح عازم مسجدالحرام شدیم که سیل جمعیت در حال حرکت به طرف مسجدالحرام بود واقعا عظمتی است که هر سه طبقه مسجد مملو از جمعیت میشود پس از طواف و قرائت قرآن و اقامه نماز صبح به جماعت به هتل برگشتیم ضمنا متن زیر برای علی و احسان بعد از طواف در ساعت 6 صبح از طریق تلفن همراه ارسال شد .

سلامت باشید : طواف برای شما و احسان انجام دادم ، ما خوییم ، همه را سلام برسانید.

بعد از استراحت و صرف صبحانه ساعت 1030 یکشنبه عازم فروشگاه ... شدیم چیز مناسبی دیده نشد ولی ایرانیها به جدیت مشغول خرید بودند (نه جنس خوبی و نه قیمت مناسب ، حالا چرا اینقدر علاقه به خرید هست خدا می داند .)

بعد از بازگشت به هتل روحانی کاروان به اطاق آمد و مقداری در مورد سفر نامه نویسی صحبت شد و قسمتهایی از نوشته های بنده قرائت گردید . ضمنا در مورد سجاده و مهر و بی مهر و از این حرفها هم صحبت شد که چقدر واقعا مشکل جوامع اسلامی است نمی دانم زیرا این بحثها نه مشکل مردم را حل میکند و نه مردم را با روح دین قویتر ؟ . حالا چرا ایرانیها اینقدر هنرمندی میکنند و هر سال مدل خاصی از سجاده همراه حصیر !! بجای مهر ؟ طراحی میکنند و بعد هم سعودیها در مساجد آنها را می گیرند . امید وارم مراجع شیعه برای نزدیکی مسلمانان به مسائل مهمتر توجه کنند تا مهر و ریش ، دست بسته و باز و ؟ ! ضمنا آقایان صانعی و قرائتی را دیدم که از همین سجاده های مردم استفاده میکردند ؟ و برای زائران کشور های دیگر جالب توجه !

دوستان عصر برای دیدن قبرستان ابو طالب رفتند و من به علت کسالت جزئی به استراحت پرداختم از قرآن جیبی در اطاقمان بود که دعای حضرت امام صادق (ع) در قرائت قرآن بیان شده بود که بنده برای اولین بار دیدم چقدر جالب بود . که امامان ما نحوه برخورد با قرآن را به ما یاد داده اند ولی ما به تشریفات و قرائت بدون تفکر توجه

میکنیم و هر روز به چاپ قرآن های نفیس ، نمایشگاه ، مسابقه قرائت و.ز. میپردازیم ، **ای کاش به دعای امام صادق (ع) عمل بکنیم زیرا ایشان می فرمایند : ما دوست داریم شما شیعیان به عمل باشید نه بحرف . واقعا ما شیعیان به عمل هستیم یا به حرف ؟ البته ظواهر خیلی خوب ولی روح اکثر برنامه ها هیچ .**

متن دعای امام صادق (ع): به نام خداوند بخشنده مهربان

خداوندا من تو را گواه می‌گیرم که این کتاب (قرآن) تو است که از جانب تو بر فرستاده ات محمد بن عبدالله (ص) نازل گردید و سخن گویای توست که بر زبان پیامبرت آمده آن را راهنمای مردم از طرف خود و رشته پیوندی میان خویش و بندگان قرار دادی خداوندا من پیمانت و کتابت را گشودم خداوندا پس نگاه مرا در آن عبادت و خواندن مرا در آن اندیشه و اندیشه مرا در آن پند قرار ده و مرا از کسانی گردان که از اندرزهایی را که در آن بیان داشتی پند گیرد و از نافرمانی هایت دوری گزیده، و هنگام خواندن آن بر گوشم مهر مزن و بر دیدگانم پرده منه و خواندن مرا خواندنی قرار مده که عاری از تدبیر باشد بلکه مرا موفق گردان که در آیات و احکام آن تدبیر کنم و دستورات دینت را فرا گیرم و نگاه مرا در آن با غفلت و خواندن مرا بیهوده مگردان، همانا تو رؤف و مهربانی.

واقعا موقع طواف انسان اصلا احساس نمی‌کند که در جمع انسان‌های معمولی زندگی میکنند زیرا همه در قرب حضرت حق غرق هستند و آنقدر عاشقانه با وسع و زبان خودشان با خداوند گفتگو دارند که انسان لذت می‌برد که جزئی از این آدمها شده است بسیاری از خود خواهی‌ها و خود پرستیها به معنای واقعی جای خود را به خدا پرستی داده اند و امت اسلام را به وضوح میتوان در طواف ملاحظه کرد.

صبح دوشنبه ساعت 9 صبح به اتفاق همسر به شارع حجون رفتیم و در مدت کوتاهی چند مغازه را ملاحظه و تعدادی اقلام خریداری کردیم ولی واقعیت تلخ اینست که اجناس با کیفیت پایین ولی خریدارانش عمدتاً ایرانی؟ بنظر می‌رسد که ایرانیها در این زمینه شاگرد اول باشند که چگونه از خود باختگی دارند و با چشم و همچشمی حاکم بر زندگیمان باعث اینهمه هدر دادن از ارز مملکت در عربستان هستیم البته در این مورد همه از یک قماش هستیم چون توجه هم می‌کنیم کیسه‌های پر از لباس و وسایل خریداری شده نحوه خرید زائران ایرانی بعضاً در ایام نماز عصر یا عشا بسیار زننده می‌باشد. واقعا ضرورت دارد محدودیت ارزی اعمال شود زیرا کسانی که به نان شب محتاج هستند چرا ارز مملکتشان را در کشور خارجی خرج کنند. البته هدر دادن ارز در ایران فقط برای زائران حج نیست زیرا اینها کمترین هستند در صورتیکه ماموریت‌ها، بورسها و مسافرت‌های آن چنانی خیلی بیشتر هست که عمدتاً خانواده‌های برخوردار یا مامورین دولتی هستند.

عصر ساعت 4/30 به حرم رفتیم ولی در مسیر طولانی، زیرا برای کنترل ترافیک طبق برنامه از پیش تعیین شده باید با اتوبوس به پارکینگی می‌رفتیم و سپس با اتوبوس‌های خاصی به نزدیک حرم منتقل می‌شدیم که کار بسیار خوبی است زیرا باعث انتقال بهتر زائران و رفت و آمد آنها در اطراف مسجدالحرام می‌شود مثل مشهد خودمان نیستند که به محض شلوغی فقط راه را می‌بندند و مشکل خود را حل و هزاران مشکل برای مردم؟ یکاش مسئولین محترم آستان قدس و شهرداری و نیروی انتظامی از تجربه سعودی‌ها در این زمینه استفاده کنند تا مردم کمتر دچار مشکل شوند.

از چیزهای قابل توجه در حج، عدم تغییر در الگوهای رفتاری در زائران ایرانی بسیار مشهود است و از همان قانون همه چیز برای من و آنها اولش در این سرزمین مقدس تکرار می‌شود زیرا برای سوار شدن به اتوبوس حاضرند حق دیگران را ضایع کنند، پیر مرد و پیر زنی زیر دست و پا ضربه ببینند و چه کسی مسئول اصلاح فرهنگ جامعه است چرا فرهنگ سازان به جای تحریک احساس مردم با عقل مردم کار نمیکنند زیرا ما مردمی خود خواه، همه چیز دان و همه چیز برای خودمان هستیم تا این فرهنگ اصلاح نشود قطعا خوشبخت نخواهیم شد. هر چند شعارهای بسیار کادو شده و عوام پسند زیاد بدهیم زیرا در اسلام ملاک عمل هاست نه حرف‌ها هر روز که به ذی‌الحجه نزدیک می‌شویم سیل جمعیت زیاد و زیاد تر می‌شود بطوریکه در سه طبقه مسجدالحرام کمبود جا برای نماز جماعت پیش می‌آید چقدر زیباست حرکات موزون اینهمه آدم با زبان، ملیت، سواد مختلف که چگونه رسول اسلام (ص) با آموزش‌های ساده توانسته در طول قرن‌ها اینهمه آدم را هماهنگ کند هر چند که در بعضی موارد اختلاف هست ولی هیچ تاثیری در حرکات موزون و زیبای نمازگزاران ندارد واقعا زیباست و لذت بخش. دیدن اینهمه زیبایی در مسجدالحرام بخصوص در موقع **نماز و طواف** که عظمت اسلام و مسلمین را به تصویر می‌کشد. خدایا به ما توفیق عنایت کن تا درد دین، درد زندگی برای خود و دیگران را پیدا کنیم زیرا انسان مسلمان افتخارش در کمک کردن به دیگران است نه جلب منافع برای خودش.

خدایا اینهمه انفاق و صدقه در قرآنت به ما یاد دادی ولی هیچوقت این دستورات را برای عمل یاد نگرفتیم بلکه خواندیم که ثواب ببریم زیرا ثواب آن در آدم شدن ما است اگر بخوانیم و آدم تر نشویم چه ثوابی؟!

سه شنبه 831022 ساعت 6 صبح به مسجدالحرام رفتیم هوای بسیار سردی داشت و کاروانهای کشورهای مختلف گروه گروه برای طواف داخل حرم می شدند با آنکه حالم خیلی خوب نبود تصمیم به انجام طوافی به نیابت از پدر و مادرم گرفتم وارد طواف کنندگان شدم هر چه به خانه نزدیک باشی احساس همبستگی و بودن در جمع خلق را حس می نمایی و می بینی که چگونه با عشق مشغول طواف هستند و با چه عشق و احساس در مسیر خدا حرکت می کنند و می بینی که پیامبر اسلام چه کار مهمی کرده است که همه مسلمانان با هر ملیتی و مذهبی یک صدا و با یک هدف بر دور خانه خدا طواف می کنند و به همین دلیل است که **خداوند در آیه 164** **سوره آل عمران می فرماید: بر شما منت گذاشتیم و از میان شما پیامبری را مبعوث کردم تا آیات را بر شما بخواند و شما را تزکیه کند و کتاب را فراهم دهد و همچنین حکمت و بصیرت را** ، زیرا بدون طی اینها به یقین در گمراهی خواهیم بود. که در این آیه بزرگترین آیت خودمان هستیم که باید بشناسیم تا با شناخت خود امکان شناخت خدا کنیم. و از طریق تزکیه خود (سلامتی خود) در ابعاد جسمی، روانی و روحی اقدام خواهیم کرد. و چنانچه سالم بودیم میتوانیم کتاب فرا بگیریم و سپس فکر و بصیرت داشته باشیم.

زیرا بدون تزکیه علم و اندیشه، ابزاری برای بدست آوردن امیال دنیایی خواهد بود و می بینیم که امروز بشر از عالمان بی عمل ضربه می بیند. ولی پیامبر اسلام با طی کردن 4 مرحله قید شده در آیه مبارکه، معلمی، رهبری، پدری، شوهری، زمامداری و..... الگوی مردم معرفی شده است در آمد بطوریکه در هیچ مورد تا خودش عمل نمی کرد از دیگران انتظار عمل نداشت. ما هم که افتخار پیروی از این پیامبر بزرگ را داریم امیدواریم با دقت به آیات الهی ضمن اینکه مخاطبش پیامبر هست و همچنین ما می باشد، روز بروز روش زندگیمان بر بنیاد این

دستورات بنا شود و در واقع همه اینها برای آن است که انسان موحد بشود و طواف در واقع یعنی تمرین می‌کنم که منبعد فقط بر مدار خدا به چرخم نه چیز دیگر.

و آنهم در فاصله رهبری و **خانه خدا (یعنی خدا)**. بطوریکه در هر بار طواف در مقابل حجرالاسود (به عنوان نماد دست خدا) موظف به عقد و بیعت مجدد با خدا می‌شویم که در طول 7 بار دور زدن تاکید می‌کنیم که بعدا یادمان نرود ولی افسوس که یا نمی‌دانیم چرا می‌چرخیم چون گفته‌اند به چرخید و نمی‌دانیم چرا در مقابل حجرالاسود باید **الله اکبر** بگوییم چون گفته‌اند بگویید و نمی‌دانیم چرا باید در موقع چرخش شانه چپ از میسر خودش تغییر نکند، چون گفته‌اند در صورتیکه همه اینها فلسفه دارد زیرا هر گونه تغییر در چرخش بر دور خانه موجب برهم زدن نظم حاکم بر طواف کنندگان و مسیر حرکت می‌شود زیرا بی‌نظمی یعنی بهم خوردن نظام حاکم بر زندگی و در مسیر **الله** که خود نوعی دور شدن از مسیر اصلی میباشد امید است که ما به فلسفه حج بیشتر توجه کنیم تا به شکل حج زیرا روح حج است که امید به زندگی، حرکت و تلاش می‌آفریند نه شکل و پوسته حج. می‌بینیم وقتی امام حسین (ع) مصالح را بر آن دید که به جای دور خانه خدا چرخیدن و رمی جمرات در منی شیطان‌های زنده را رمی کند و حج را نیمه تمام گذاشت ولی طرفداران شکل حج ماندند و باز هم دور خانه خدا چرخیدند تا شاهد قطعه قطعه شدن حقیقت دین (یعنی حسین) باشند؟!

به قول مرحوم شریعتی:

وقتی که با حسین نیستی هر جا که می‌خواهی باش

چه بر دور خانه خدا یا کاخ سبز یزید فرقی نمی‌کند.

و افا اگر امروز هم ما دلبستگان پوسته حج، اینچنین در خواستی از ما بشود امکان دل‌کندن از حج را خواهیم داشت! یا اینکه همانند خیلی‌ها به نصیحت خواهیم پرداخت که برای سلامتی خود و فرزندان مکه را ترک مکن؟؟ می‌بینیم وقتی انسانها را با پوسته و ظاهر یک امر مقدس مشغول می‌کنند حتی به حقیقت مطلق هم نصیحت می‌کنند؟! البته هم اکنون هم در حج مشاهده میشود زیرا پس از حج خیلی تغییر در زندگیمان ایجاد نمیشود چون بیشتر برنامه‌ها دل‌مشغولی به ظاهر حج است نه خود **حج یعنی حرکت**

زیرا بعد از اتمام حج موجب حرکتمان نمیشود تا بیشتر آدم شویم و بیشتر در خدمت مردم و جامعه باشیم بلکه با کسب عنوان جدیدی بر توقعاتمان اضافه میشود چون حاجی شده ایم و بایستی دیگران به ما احترام بگذارند و به دیدن ما بیایند و پناه بر خدا ؟

ساعت 9 شب جلسه کاروان تشکیل شد روحانی کاروان صحبت‌هایی در مورد رمی جمرات داشتند و فرمودند که اعمال حج از جمله رمی جمرات سمبل‌هایی هستند که در زندگی ما هم کاربرد دارند از جمله یکی از استنباط‌ها وسوسه شیطان در ابراهیم (اولی) و وسوسه شیطان در اسماعیل (وسطی) و وسوسه شیطان در هاجر (عقبی) که مشابه همین وسوسه‌ها در ما و زندگی ما وجود دارد که بایستی توجه کنیم تا بعدا قدرت مقابله با آنها را همانند ابراهیم، هاجر و اسماعیل پیدا کنیم و به بیانی هر روز بر حسب نوع وسوسه‌ها قدرت رمی کردن آنها را داشته باشیم در ادامه دعای توسلی قرائت شد و در آخر به مناسبت وفات امام جواد (ع) شله مشهدی به عنوان شام داده شد. ساعت 12 شب عازم

مسجدالحرام شدیم پس از طواف نیابتی از عزیزانم انجام دادم و مقداری قرائت قرآن و گشتی در طبقه دوم و جاهای مختلف حرم و ساعت 1430 تصمیم به برگشت گرفتیم که ساعت 1545 به محل اقامت رسیدیم زیرا هر چه به حج تمتع نزدیکتر میشویم شلوغی مکه حرکت اتوبوس‌ها را کند می‌کند

برای دومین بار تصمیم گرفتیم سری به بازار مکاره دور حرم بزنیم آنقدر شلوغ و گرم بود که حوصله خرید نبود و ضمناً کما فی السابق چیزی مورد پسند همسر قرار نمی‌گرفت لذا نوار قرآنی برای یکی از دوستان و کلاهی خریداری و به حرم برگشتیم و پس از نماز ظهر به محل اقامت برگشتیم.

فرستی شد تا در مدینه و بخصوص مکه رساله حقوق امام سجاد (ع) را مطالعه کنم واقعا پس از

ملاحظه صحیفه سجادیه و رساله حقوق امام سجاد (ع) مظلومیت مضاعف این امام همام بیشتر

احساس می‌شود و متوجه می‌شوی که چقدر ما با امامان شیعه نا آشنا هستیم و بعضاً بر آنها ظلم روا

می‌داریم در صورتیکه در 60 بند رساله حقوق کلیه وظایف و حقوق انسان که مبنای زندگی سالم هست به شکل زیبایی مطرح کرده‌اند که اگر هر کدام از ما به آنها عمل کنیم نه فقط ارادت بورزیم و بعد هم هر طور دلمان می‌خواهد زندگی کنیم. که هیچ شباهتی هم با دستورات و سیره زندگی آنان نخواهد داشت امام در این رساله مبنای حقوق را به شرح زیر بیان فرموده است:

- 1- حق خداوند بر انسان بزرگترین و با اهمیت‌ترین حقوق که پرستش خدا و شرک نورزیدن می‌باشد
- 2- حق و مسئولیت انسان در قبال اعضاء خودش چشم، گوش، زبان، دست، پا، شکم و دستگاه تناسلی
- 3- مسئولیت در قبال کارهای انسان نماز، روزه، صدقه، قربانی و سایر کارهای دیگر
- 4- حقوق و مسئولیت نسبت به دیگران :

الف) امامان، هبران الهی و متصدیان اداره امور (ه) کسی که ادعائی دارد یا تو برای او ادعایی داری

ب) زیر دستان (و) حق غیر مسلمانان

ج) خویشاوندان و وابستگان (ر) هم کیشان و هم مکتبان

د) همسایگان، رفیق، شریک و همسفر (ز) حق معلم و شاگرد

5- حقوق و مسئولیت مال

اگر به عناوین فوق دقت کنیم متوجه می‌شویم که زندگی و دین چیزی غیر اینها نیست ولی ما از امام سجاد (ع) چهره‌ای بیمار و مظلوم و نیازمند ترحم که برایش مداحی کنیم و بعد هم گریه؟! آیا دشمنان میتوانند اینقدر به امامان شیعه ظلم و خیانت کنند که بعضی از ماها ظلم روا می‌داریم ای کاش در مدینه در مدت کوتاهی که زائران حضور دارند سیره ائمه بقیع و رسول اکرم (ص) و فاطمه کوثر بیان گردد تاره توشه سفر.

مدینه ، شیعه واقعی شدن آنها بشود . نه فقط گریه کردن؟! البته آنهم لازم و مفید است ، چون مظلومیت این

مردان و زنان الهی در زمان خودشان و هم اکنون مشابه است فقط شکل مظلومیت تغییر کرده؟!

خدایا به ما توفیق بده تا فکرمان را که بالاترین نعمت توست بشناسیم و بهره برداری کنیم تا دستورات کتاب تو

را و سیره پیامبرانت و امامان معصوم (ع) را درک کنیم و در زندگیمان عمل کنیم تا هم زندگی سالم داشته

باشیم بطوریکه مزرعه دنیا (مزرعه ای سر سبز و با نشاط و شادمانی ، پیشرفت ، خلاقیت ، امید و امید آفرین)

برای دنیای دیگرمان ارمغانی جهت زندگی در بهشت موعود بشود. آمین یا رب العالمین (الدنیا مزرعه الاخره)

شب ساعت 23 به مسجدالحرام رفته و طوافی مستحبی انجام داده و صحبتی با 3 زائر ترکیه داشتیم و کودک

گدای 7 ساله نیجریه و جمع آوری یک ریالی از مردم . و برگشت به محل اقامت و گم کردن راننده و

سرگردانی در شهر و دخالت های بی جای بعضی آدم های همه چیز دان خیلی جالب بود که هم سرگردانی و

هم خنده از کار دوستان؟!

صبح به اتفاق همسرم برای 1/5 ساعت پیاده روی به خیابان رفتیم و به هتل برگشتیم ، استراحتی و قرائت قرآن

کریم و مطالعه متن فارسی دعای روز عرفه امام سجاد (ع) که سرشار از معنویت و آموزش و پیدا کردن شناخت

است و همچنین خداوند در آیه 124 سوره طه می فرماید (کسی که از من رو برگرداند ، بدرستی که زندگی

سختی خواهد داشت و در روز قیامت هم نابینا یش می کنیم) زیرا انسان و خود انسان از روح ملکوتی در

مقایسه بابقیه موجودات به عنوان آدم معنی پیدا می کند اگر با خود روح ملکوتی بیگانه گردید عملا راه سایر

موجودات را در پیش می گیرد . که زندگی اش صرفا غریزه خواهد بود که همانند سایر حیوانات همواره به فکر

بدست آوردن بیشتر ، خوردن بیشتر ، داشتن بیشتر و تعیش بیشتر خواهد بود که عملا آرامش و اطمینان قلب

نخواهد داشت و این یعنی بزرگترین سختی زندگی . که انسان به ظاهر همه چیز نیاز های بعد حیوانی خود را

داشته باشد ولی عاری از روح ملکوتی باشد . دعای عرفه هم می خواهد انسان ابتدا خود را بشناسد و سپس

خدایش را و نحوه ارتباطش را تا به آرامش و اطمینان قلب برسد که بتواند زندگی سرشار از امید، آرامش و نشاط و رو به کمال راطراحی کند و داشته باشد. زیرا **حضرت علی (ع)** می فرماید :

الهی کفی بی عزایان اکنون لک عبدا

(خدایا بس است برای من این عزت که بنده تو باشم)

و کفی بی فخرا ان تکون لی ربا

(و بس است مرا این افتخار که تو پروردگار من می باشی)

انت کما احب ماجعلنی کما تحب

(تو آن هستی که من دوست دارم پس قرار بده مرا آنطور که دوست داری)

انشاءالله تلاش ما در حج و در زندگیمان آن باشد که بنده ای بشویم که خداوند از ما راضی باشد.

راضی بودن خداوند یعنی کمال رشد، موفقیت، پیروزی و قرب حضرت حق که **اولیاء اله** از خدا

فقط خود خدا را می خواهند نه بهشت او را زیرا امام علی (ع) در چگونگی عبادت خداوند می

فرماید :

من خدا را عبادت می کنم به خاطر خودش نه برای بهشتش و نه ترس از جهنم اش

در واقع روح حج هم همین است که انسان یاد بگیرد فقط خدا را برای خودش عبادت کند نه چیز دیگر. اگر

چنین شد حج مقبول و سعی مشکور خواهد بود یقینا برای وصول به این درجه عنایت خودش لازم است زیرا ما

چسبیدگان به متاع های دنیا کجا! و قرب حضرتش کجا! پس خدایا کمکمان کن تا در حد وسعمان روح و

هدف حج را درک کنیم که حاصل آن نزدیکی بیشتر به خودت باشد. **انشاءالله....**

شب ساعت 10 شب به اتفاق همسرم به مسجد الحرام رفتیم تعداد زائرین بیشتر و موجب شلوغی بیش از حد

حرم و طواف کنندگان شده بود با توجه به قولی که به اعضاء هیئت محبان امام زمان (عج) داده بودم توفیق

حاصل شد که نیابت از آنان و همه کسانی که التماس دعا گفته بودند و بیاد همه عزیزانی که از این دنیا خاکی

کوچ کرده اند ، دعای کمیل را بخوانم چه حالی ! یقیناً دل های پاک و نیابت خالصانه همه آنهايي که به نیابت از آنان قرائت شد باعث شد درکی و شناختی حاصل شود بخصوص مسلمانان شیعه هندی با تعداد حدود 40 نفر در پهلوی ما بودند و دوباره دعای کمیل را با لهجه خودشان قرائت کردند بر معنویت و درک دعای کمیل آنهم در میان انبوه جمعیت عاشق و در کنار خانه خدا و مسجدالحرام افزوده شد آنان پس از دعای کمیل و دعای فرج و سلام بر همه ائمه شیعه و بخصوص امام رضا (ع) شکلات و شیرینی بین خودشان و ما توزیع کردند . و در صحبت با خواننده دعا ابراز خوشحالی نمود که بنده بارها به مشهد آمده ام و تقاضای رساندن سلام آنان و خواندن زیارتی به نیابت از آنان توسط اینجانب شدند که امیدوارم در اولین فرصت با عنایت خداوند انجام دهم و ضمناً عکس از بعضی از آنان داخل حرم گرفتم و اما دعای کمیل آیا فقط کلماتی در حد زبان است یا عشق ورزی امام علی (ع) با معشوق ، آنهم در کلماتی سرشار از مفاهیم عالی قدرت الهی ، ضعف انسان ، و لطف الهی به بندگانش در همه شرایط (خوبی ، گناه ، نافرمانی در خلوت و آشکار) و تقاضای توفیق بندگی در این دنیا و محسوس شدن در آخرت با محبوبان حضرت حق می باشد که واقعا درک دعای کمیل چقدر میتواند کمکی در اصلاح خودمان در ارتباط با با مخلوقات خدا داشته باشد و چنانچه به مفاهیم عالی انسانی و الهی این دعای عظیم عمل کنیم انسان هایی سرشار از عشق به همدیگر خواهیم بود زیرا علی (ع) در قالب دعا به ما یاد می دهد حال که خدا اینگونه هست ما انسان ها هم باید با یکدیگر اینگونه باشیم نه آنکه فقط توقع داشته باشیم خدا اینگونه با ما باشد زیرا خداوند خود در قرآن میفرماید : همانطور که شما می خواهید خطاهای شما را ببینم و ببخشم ، شما هم عیب دیگران را ببینید و عفو کنید . می بینم آموزش های خداوند بطور غیر مستقیم و چقدر ظریف و اثر بخش هست ولی افسوس که ما قرآن را ، دعا ها را صرفاً برای کسب ثوابی که نمی دانیم چیست می خوانیم و کمتر توجه می کنیم که قرآن و دعاها کلاس درس است که ما مخاطب آن هستیم تا یاد بگیریم و خود عمل کنیم و بعد هم با روش حسنه به دیگران گوشزد کنیم که برای زندگی خوب انتخاب کنند زیرا انسانها از دستورات مستقیم خوششان نمی آید .

ضمناً برداشت من بطور خلاصه از دعای کمیل بشرح زیر است :

۱ - وصف قدرت و عظمت و رحمت الهی در ابتدای دعا

۲ - تقاضای بخشش از گناهانی که موجب تغییر نعمت ، نزول بلا ، حبس دعا و .. می

شوند

۳ - تقاضای قرب و شفاعت و آسان گیری و..... از درگاه خدا

۴ - تقاضای بخشش از همه مشکلات و گناهان و غرور دنیا و تبعیت از هوای نفس

۵ بیان اینکه چقدر خطاها و لغزشها و نافرمانیها را که دیدی و آشکار نکردی (ستار العیوب)

۶ - بیان ضعف و عدم قدرت نا ملایمات و مشکلات و.....

۷ - بیان رحمانیت و رحیمیت خداوند بخصوص بعد از اقرار به وحدانیت و ثنا گویی

خدا

۸ - بیان ضعف و ذللی خودو اینکه نکند در جمع دشمنان خدا واقع شوم تا جمع اولیاء

خدا

۹ - بیان اینکه بر آتش خدا می توانیم صبر کنیم ولی بر دوری خودش خیر! زیرا عاشق

هر آنچه از معشوق برسد برایش خوب است . شاعر می فرماید :

بر عاشق غم و شادی چه تفاوت دارد ساقیا باده بده که این غم هم از اوست

10- در خواست مجدد اینکه توفیق یاد ، فرمانبرداری و انجام همه اعمال در شب و روز برای خودش (

خدا) باشد

11- تقاضای عفو ، توفیق استجابت دعا ، لبریز کردن دل از محبت خودش و حفاظت از شر جن و انس زیرا

که او سریع الرضا و یادش دوا و ذکرش شفا است .

ملاحظه می شود که سراسر دعای کمیل بحث رحمانیت ، رحیمیت ، رزاقیت ، ستار العیوب بودن ،

عالم و معلم بودن ، سریع الرضا بودن ، یاد و ذکرش آرامش بخش بودن ، عطوف بودن ، بخشنده

بودن ، فریاد رس بودن ، محبوب کننده ، کریم بودن ، غافر بودن و خداوند می باشد .

که در واقع امام علی (ع) می خواهد ما را در کلاس درس بنشانند و در هر شب جمعه با مطالعه و تفکر و تدبر کردن بر مفاهیم آن ، خود را و عملکردمان را در طول هفته بسنجیم و بر اساس نتایج ، برنامه هفته آینده را طراحی و به اجرا بگذاریم نه آنکه صرفا بخوانیم و در وسط آن هم برای گرمی مجلس روضه ای و بعضا بکار بردن مسائلی صرفا برای گریاندن مردم و کوچک کردن جایگاه والای ائمه بخصوص امام حسین (ع) و بعد هم تمام شدن جلسه و...

خدایا به ما توفیق بده که امامان شیعه را بیشتر بشناسیم و پیرو دستورات آنان بشویم و صرفا محب آنها نباشیم .

با توجه به آشنایی کم ایرانی ها به زبان عربی و انگلیسی ، چنانچه سازمان حج و زیارت برنامه ای داشته باشد که طی فراخوانی از زائران هر سال بخواهد که هر کس آشنایی به زبانهای عربی ، انگلیسی ، ترکی ، مالزی ، اندونزی و دارد ثبت نام کنند و در طول مدت قبل از پرواز مطالب آموزشی و فلسفه حج و ضرورت ارتباط بین مسلمانان را بصورت مکتوب یا حضوری آموزش دهند تا قدرت ارتباط با دیگر مسلمانان فراهم گردد زیرا خیلی از روحانیون که مسئول این کار هستند کمتر به زبانهای عربی و آشنا هستند و حتی میتوان از آدم های تحصیل کرده و حج شناس و زبان دان در هر سال تعدادی با هزینه خودشان و خارج از نوبت در جمع کاروان ها اعلام نمود تا بطور خود جوش با سایر مسلمانان ارتباط فکری برقرار کنند و همچنین از حاجیان با تجربه در آموزش زائران بعدی در قالب گردهمائی های کوچک استفاده نمود تا حج به یک کلاس درس دین شناسی ، زندگی شناسی و انسان شدن تبدیل شود . انشاءالله

عصر جمعه قرآن قرائت شد که 3 آیه برایم درس آموز بود و در آیه 72 فرقان **خداوند** می فرماید

: وقتی به سخن لغو برخورد کردید کریمانه بگذرید.

چنانچه دستور خداوند را در زندگی عمل کنیم نباید از هیچ سخنی ناراحت شویم و در جهت اصلاح آن با روش حسنه یا از کنار آن بگذریم چون خدا اینگونه خواسته است ولی ما معمولا خواسته های خود را مخلوط کرده که موجب ناراحتی خود و دیگران می شویم. همچنین در آیه 30 فرقان خداوند می فرماید:

اگر توبه (بازگشت) نمائید و ایمان بیاورید و عمل صالح انجام دهید موجب تغییر گناهان به خوییها میشود زیرا خداوند آمرزنده و مهربان است.

بادقت در آیه فوق ملاحظه می شود که **خداوند** چگونه به انسان امید و راه بازگشت رانشان می دهد. و با انجام اعمال خوب اعمال بد را می بخشد و حتی جایزه می دهد که ما هم اگر همین رویه را در زندگی اعمال کنیم چقدر روابط انسانها و زمینه رشد انسانها بیشتر خواهد شد. ایکاش روش برخورد خداوند با انسانهای خطاکار در زندگی ماها هم رنگ و بویی داشته باشد تا هر کس را بر اساس چند خطا طرد نکنیم زیرا بقول یک دانشمند خارجی: انسان و زندگی او مثل رودخانه ای است که برای قضاوت در مورد هر کس بایستی تمام ابعاد او را بررسی و بعد قضاوت کرد یقینا کاری است مشکل و بالطبع قضاوت کردن مشکل تر. نگاه به انسانها و زندگی انسانها آنهم به عنوان مخلوق خداوند موجب تحولی در روش و مدیریت زندگی اجتماعی بوجود می آورد که یقینا حکومت **امام زمان (عج)** اینگونه حکومتی باید باشد.

روحانی کاروان در مورد غلو و بعضا کوچک کردن شخصیت ائمه اطهار در مطالب مداحی و روضه خوانی را مطرح کردند بخصوص یکی از هم اطاقی ها فرمودند: زمینه عزاداری و روضه خوانی بعد از حمله مغول ها و مصیبت هایی که به مردم وارد شد بیشتر رونق پیدا کرد و در زمان صفویان هم به آن رنگ و لعاب داده شد البته روحانی ارشد کاروان نیز تایید میکرد که خیلی مداح ها هدفشان فقط گریاندن مردم است و اصلا به نتیجه کار توجه ندارند چون سواد هم ندارند و ایشان برای مثال تعریف های نابجایی که در مجالس عزاداری از اموات میکنند مطرح کردند و از قول مرحوم ثابت از افراد خوشنام مشهد شعر زیر را مطرح کردند.

جنت مکان خطاب کنند هر الاغ را یا للعجب مگر بهشت برین سر طویله است.

روحانی محترم کاروان گفتند علاقه مندی بعضی زائرین مالزیایی ، گینه ، اندونزی به ایران را بیان کردند و از قول آنها می گفتند که آمریکا به عنوان قدرت بزرگ همه مردم را در حد برده می خواهد و تمام شعارهایش در زمینه آزادی ، دموکراسی وفریبی بیش نیست زیرا با همین عناوین بیشترین خیانت ها را به انسانها و به خصوص مسلمانان اعمال می کند خدا رحمت کند دکتر شریعتی را که در زمینه مفهوم دموکراسی و آزادی که ارسطو و افلاطون برای بشر آوردند در واقع توجیه ظلم ، قدرتهای ظالم در شکل جدید و آنهم با عنوان علم و دستاورد جدید بشر می باشد می گوید اگر من در زمان آنان بودم حتما بر علیه این دو نفر اعلام جرم می کردم که خیانت به بشر را و توجیه عملکرد ظالمان را در قالب دموکراسی و آزادی مطرح کرده اند و متأسفانه بسیاری روشنفکر های بی سواد و بعضا غافل و غرب زده تحت تاثیر آنها قرار گرفته و فکر میکنند که آنها حرف جدیدی دارند در صورتیکه حرفهای آنها مشروعیت بخشیدن به ظالمان ، پولداران است که در واقع سه قدرت خیانتکار به انسان از همدیگر حمایت میکنند (زور و زور و تزویر)

دانشمندان بی عمل و بی در (بلعم باعورا) قدرتمندان ظالم (زور) پولداران بی درد (زر) می بینیم که دانشمندان بی درد و بی شعور توجیه گران قدرت ها و ثروتمندان چپاولگر هستند . بعد از ظهر به اتفاق همسرم به مسجدالحرام برای نماز مغرب رفتیم خدایا چه جمعیتی ؟ همه طبقه ها مملو از انسانهای منتظر برای نماز و عشق بازی در پیشگاه حضرت حق بودند به سختی جایی برای نماز پیدا شد و پس از نماز به هتل برگشتیم . فرصتی شد کتاب غیر از **خدا هیچ کس نبود** را ملاحظه کنم که اطلاعاتی در زمینه مسجدالحرام داشت از جمله ساخت مسجدالحرام و خانه خدا توسط حضرت

ابراهیم در 1900 سال قبل از میلاد مسیح بوده و مساحت مساجد در طبقات مختلف 385600 مترمربع
برای گنجایش یک میلیون نفر نمازگزار می باشد که با اطراف و حاشیه ها حداکثر یک میلیون و
دویست هزار نفر همزمان می توانند نماز بگذارند . و همچنین متنی از **آیت ... حسن زاده آملی** در
زمینه حج داشت بسیار زیبا و جالب بود که نگاه عرفانی ایشان به حج و نگاه ما غافلان کجا؟!

حاجی و ناجی

الهی

خانه کجا و صاحبخانه کجا ؟
طائف آن کجا ، عارف این کجا ؟
آن سفر جسمانی است این روحانی
آن برای دولتمندان و این برای درویش
آن اهل و عیال را وداع می کند و این مال را
آن ترک مال کند و این ترک جان
سفر آن در ماه مخصوص است و این همه ماه
آن یکبار است و این را نهایت نبود

آن می‌رود که برگردد و این می‌رود که از او نام و نشانی نباشد
 آن فرش پیماید و این عرش
 آن محرم می‌شود و این محرم
 آن لباس احرام می‌پوشد و این از خود عاری می‌شود
 آن لیبیک می‌گوید و این لیبیک می‌شنود
 آن تا به مسجد الحرام رسد این از مسجد الاقصی بگذرد
 آن استلام حجر کند و این انشقاق قمر
 آن را کوه صفاست و این روح صفا
 سعی آن چند مرتبه بین صفا و مروه است و سعی این یک مرتبه در کشور هستی
 آن هروله می‌کند و این پرواز
 آن آب زمزم نوشد و این آب حیات
 آن عرفات بیند و این عرصات
 آن را یک روز وقوف است و این را همه روز
 آن از عرفات به مشعر کوچ کند و این از دنیا به محشر
 آن درک منا آرزو کند و این ترک تمنا را
 آن قربانی کند و این خویشتن را
 آن رمی جمرات کند و این رحم همزات
 آن حلق راس کند و این ترک سر
 آن را لا فسوق و لا جدال فی الحج و این را فی العمر
 آن بهشت طلب کند و این بهشت آفرین
 لاجرم آن حاجی شود و این ناجی
 خنک آن حاجی که ناجی است

شب ساعت 9/30 در آخرین جلسه کاروان شرکت کردیم ابتدا روحانی کاروان مراحل مختلف حج تمتع را بیان کردند و یکی از نکات جالب توجه قبله ایرانیها روبروی کلیه قسمت های مختلف حرم شامل عرفات ، مشعر الحرام ، منی ، سعی صفا و مروه ، مقام ابراهیم و درب خانه خدا را شامل می شود امیداریم که این توفیق الهی را در همه حال ارج بگذاریم و واقعا در مقام ابراهیم ، ابراهیم وار زندگی کنیم سپس بر اثر اصرار ایشان اینجانب برداشت کوتاه خودم را از حج در تفسیر آیه:

بعث فی الامینی رسولا منهم تبلاوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب والحکمه

و همچنین از تعریف دینی توسط علامه جعفری مبنی بر اینکه :

دین یعنی 4 ارتباط :

با خدا ، باخود ، بامردم و سایر موجودات

را در زمان محرم شدن مطرح کردم و آن اینکه انسانی که محرم میشود دقیقا برای تزکیه جسم ، حواس و باطن خودش از طریق شناخت خودش و تنظیم رفتارش بر اساس زندگی مسالمت آمیز و خوب با خدا ، خودش ، مردم و موجودات می باشد . بطوریکه پس از شناخت در عرفات و کسب شعور در مشعر الحرام بتواند با عشق به مبارزه با شیطان های بیرونی و درونی برود و پس از پیروزی اولیه جشن عید بگیرد . بیان کردم این برداشت شاید به خاطر روح پاک فرزندانم ابوذر باشد که

ناصر

کمک زیادی در درک بهتر حج در این سفر شده است سپس روحانی کاروان اشعاری را از

خسرو قرائت کردند که در واقع فلسفه حج را به شکل بسیار زیبا بیان کرده است .

حاجی‌ان آمدند با تعظی‌م شاکر از رحمت خدای رحی‌م
آمده سوی مکه از عترفات زده لبی‌ک عمره از تعظی‌م
خسته از محنت و بلای حجاز رسته از دوزخ و عذاب الی‌م
یافته حج و عمره کرده تمام بازگشته به سوی خانه سلی‌م
من شدم ساعتی با استقبال پای کردم برون ز حد گلی‌م
مرمر را در می‌ان قافله بود دوستی مخلص و عزیزی و کری‌م
گفتم اورا بگوی چون رستی زین سفر کردن به رنج و به بی‌م
تا ز تو باز مانده ام جاوی‌د فکرتم را ندامتست ندی‌م
شاد گشتم بدانکه حج کردی چون تو کس نیست اندر اقلی‌م
باز گو تا چگونه داشته ای حرمت آن بزرگوار حری‌م
چو همه خواستی گرفت احرام چه نیست کردی اندر آن تحری‌م
جمله بر خود حرام کرده بدی هر چه مادون کردگار عظی‌م
گفت نی گفتمش زدی لبی‌ک از سر علم و از سر تعظی‌م
می شنیدی ندای حق و جواب باز دادی چنانکه داد کلی‌م
گفت نی گفتمش چو در عرفات ای ستادی و ی‌افتی تقدی‌م

عارف حق شدی و منکر خوی‌ش
گفت نی گفتمش چو می‌رفتی
ای من از شر نفس خود بودی
گفت نی گفتمش چو سنگ جمار
از خود انداختنی برون یک سو
گفت نی گفتمش چو می‌گشتی
قرب حق دی‌دی و کردی
گفت نی گفتمش چو گشتی تو
کردی از صدق و اعتقاد وی قی‌ن
گفت نی گفتمش بوقت طواف
از طواف همه ملائکی‌ان
گفت نی گفتمش چو کردی سعی
دی‌دی اندر صفای خود
گفت نی گفتمش چو گشتی باز
کردی آنجا بگو مر خود را
گفت از این باب هر چه گفتی تو
گفتم ای دوست پس نکردی حج
رفته و مکه دی‌ده آمده باز
گرتوخواهی حج کنی پس از این

بتو از معرفت رسی ندی‌م
در حرم همچو اهل کهف و
در غم حرقت و عذاب حجی‌م؟
همی انداختی بدی‌ور جی‌م؟
هم عادات و فعلهای ندی‌م؟
گو پسند از پی اسی‌رو ی‌تی‌م
قتل و قربان نفس دون لئی‌م
مطلع بر مقام ابراهی‌م
خوی‌شی خوی‌ش را به حق تسلی‌م
که دوی‌دن به هروله چو ظلی‌م
یاد کردی به گرد عرش عظمی‌م
از صفا سوی مروه و
شد دلت فارغ از حجی‌م و نعیمی‌م
مانده از هجر کعبه ، دل بدونی‌م
همچنان کنون که گشته رمی‌م
من ندانسته ام صحیح و تصمی‌م
نشدی در مقام محو ، مقیمی‌م
محنت با دی‌ه خری‌ده بسی‌م
این چنین کن که کردم تعلق‌م

در پایان به سؤال دوستان جواب داده شد و قرار شد که انشاءالله بر طبق برنامه تنظیم شده به سلامتی حج تمتع

انجام شود.

با توجه به اشعار ناصر خسرو ، اگر واقعا انسان حج واقعی نصیبش بشود ، چه تحولی در او صورت خواهد گرفت بطوریکه هر کس در مقام ابراهیم بالاتر از فرشته است زیرا بر نفس خودش و وسوسه های بیرونی شده و مدیریت کامل بر خود را دارا شده است ،

پس خدایا به آبروی آبروداران در گاهت توفیق درک حج که همانا درک و نیت کتابت و رسالت می باشد به ما عنایت بفرما . آمین یا رب العالمین

خبر ناراحت کننده مبنی بر داشتن سرطان ریه یکی از همکاران پزشک را دادند و درخواست دعا در مسجدالحرام را داشتند امید است که خداوند در صورت صلاحدید شفای عاجل عنایت فرماید زیرا دواوشفا از اوست و پزشکان فقط مسئولیت تشخیص و تجویز را دارند ولی تاثیر آن به عنایت خداوند دارد امیدوارم که شامل حال ایشان بشود هر چند که همه ماها بنوعی بیماری داریم و آنهم از نوع بیماری روحی و روانی که نیازمند عنایت حضرت حق هستیم و شفای واقعی در سلامت روحی و روانی است که انسان داشته باشد چون این سلامتی موجب آرامش و حفظ تعادل در وجود انسان و عملکرد منظم همه دستگاه های بدن میشود که در اینصورت خود بدن از بسیاری از بیماریها جلوگیری و پیشگیری می کند ولی افسوس که ماطبیبان به این مهم توجه نمیکنیم و فقط درمان می کنیم که نتیجه بسیار کم حاصل می شود .

یکی از اندیشمندان غرب می گوید :

انسان متشکل از 1 درصد جسم و 99 درصد اندیشه می باشد

و یا شاعر می گوید: ای برادر تو همه اندیشه ای مابقی خود استخوان و ریشه ای

اگر خود انسان ها و طبیبان روح و جسم به این مسئله دقت نظر داشته باشند ، بسیاری از سرمایه انسان ها صرف درمان نخواهد شد و آن را در مسیر رشد و ترقی خود و جامعه بکار خواهند برد

امید وارم که خداوند به ما هم فرصت و قدرت تفکر ، تدبر و بصیرت عنایت فرماید تا وظیفه خود را تشخیص و بعد به آن عمل کنیم ، چون خیلی وقتها انسان مشغول به کارهایی است که یا وظیفه اش نیست و اگر هست در درجات پایینی قرار دارد که این امر موجب خسران ، تبذیر و اسراف در سرمایه اصلی انسان یعنی عمر و زمان می شود . که مشمول سوره

والعصر

می شود زیرا بالا ترین زیان انسان

ان الانسان لفي خسر

بی توجهی به عمر و اندیشه اش می باشد زیرا امکان جبران کردن آنها وجود ندارد .



صبح دوشنبه ساعت 6 صبح به اتفاق همسرم و دیگر دوستان با تاکسی عازم مسجدالحرام شدیم که همزمان با اتمام نماز صبح بود و رفتن به مسجدالحرام بسیار دشوار بود زیرا از طرفی همه مردم نمازگزار از مسجد خارج و از طرفی دست فروشها برای رفت و آمد مشکل ایجاد کرده بودند. در حرم با توجه به شلوغی امکان طواف نشد ولی نماز در مسجد الحرام همچنین و در حجر اسماعیل (6 رکعت) به نیابت از همسر، علی و احسان فرزندانم و جوانان هیئت محبان امام زمان (عج) و 2 رکعت برای همه دوستان و اقوام التماس دعاگو اقامه شد شاید برای اولین بار به راحتی امکان اقامه نماز فراهم شد بطوریکه همزمان با نظافت حجر اسماعیل که از ورود مردم جلوگیری و آنهایی که بودند به بیرون از حجر هدایت می کردند. خدا را شکر بدون مزاحمت برای مردم و با خیال آرام 6 رکعت نماز توفیق شد و پس از یکبار طواف به محل درب خانه رسیدیم که باز هم با توفیق الهی براحتی دسترسی به درب خانه خدا شدیم که امیدوارم خداوند همیشه توفیق دسترسی به درب خانه اش را به

همه بندگانش و به بنده هم عنایت فرماید. سپس در داخل مسجدالحرام و روبروی حجر اسماعیل، طواف کنندگان را نظاره گر شدیم و سپس به کوه صفا رفته و همراه با سعی کنندگان به طرف خارج از حرم آمده و پس از گرفتن عکسی از کودک و مادری که گدایی می کردند به اتفاق دوستان بعد از 10 دقیقه پیاده روی با تاکسی به محل اقامت برگشتیم.



قرار شد فردا صبح انشاءالله قبل از عرفات به حرم مشرف شویم با نزدیک شدن هشتم ذی الحجه جنب و جوشی عجیب بین زائران بوجود آمده چون حج تمتع می خواهد شروع شود. حجی که در چند روز آینده همه اعمالش حرکت است و نیاز به تلاش و مقاومت دارد زیرا 4 روز با کمترین امکانات و استراحت و با رعایت چهار چوب دین. زندگی کردن برای ماها که عادت به رفاه هستیم. مشکل است ولی با همه ظواهر سخت بسیار زیباست حرکت بیش از 2 میلیون انسان در یک رنگ (سفید) بدون اینکه کسی شناخته شود چه مدرکی، قدرتی ریا، مقامی، فرزندی و دارد همه برابرند، زن، مرد، سیاه، سفید. مدت 2 هفته پیش بینی شده در مکه (خواب

و غذا و میوه و اتوبوس و) دوباره باید از همه اینها دل بکنیم و فقط با کمترین وسایل عازم سفر دیگری بشویم . علی الظاهر کل زندگی هم همین است .

خوشا بحال آنانکه به ظواهر دنیا دل نمی بندند و از آنها به عنوان وسیله حداکثر استفاده را می کنند لذا دلی نبسته اند که دل کنندش مشکل باشد . و بیچاره آنها که ظواهر دنیا هدفشان شده است که خوب نمی توانند از آنها استفاده کنند و هم دل کردن از آنها برایشان مشکل است ، امید وارم که خداوند توفیق دهد هدف از خلقتمان و زندگی را درک کنیم و از نعمت های دنیا حداکثر استفاده را بکنیم ولی هیچوقت به آنها دل نبندیم و اگر این اتفاق بیفتد چقدر زندگی شیرین می شود زیرا در آن صورت لحظه لحظه ها را قدر خواهیم دانست و از آنها لذت خواهیم برد زیرا **مولا علی** می فرمایند : دنیا 3 روز است

دیروز که رفته باز نمی گردد ، فردا که معلوم نیست چه بشود ، پس امروز را باید غنیمت شمرد .

انشاء الله همیشه در امروز زندگی کنیم و خود را با دیروزها و فرداها گول نزنیم .

صبح سه شنبه ساعت 6/30 باتفاق دوستان و همسر عازم مسجدالحرام شدیم صحنه بسیار جالبی تازگی داشت همه مردم محرم شده بودند و بیشتر طواف کنندگان عرب زبان با خانم و فرزندان بودند و از ایرانیها بجز طواف واجب کمتر خبری نبود توفیق طواف حاصل شد و نماز و قرائت 50 بند از دعای جوشن کبیر .

ساعت 14 تا 1430 خانم ها جلسه توجیهی برای رفتن به عرفات داشتند و آقایان هم از ساعت 1430 تا 15 جلسه توجیهی داشتند و پس از آن کم کم لباس های دنیائی را عوض کردیم و آماده رفتن به عرفات شدیم که ساعت 1650 حرکت کردیم و ساعت 8 شب به چادر محل اقامت رسیدیم در زیر یک چادر حدود 110 نفر آقایان اسکان پیدا کردیم ..



به علت خستگی تصمیم به خواب گرفتیم ، امکان خواب اصلا وجود نداشت جای تنگ ، پشه ، سرفه ها ، سرو صدای پلیس های سعودی ، رفت و آمد مردم و.....

ولی چاره ای نداشتیم ، مقداری استراحت کردیم ساعت 4 صبح توفیق اقامه نماز شب و نیابت و قضا از طرف فرزندان و پدر و مادر و.... پیدا کردیم . به همراه تعدادی از اعضاء کاروان طی راهپیمایی تا بعثه رهبری رفتیم و تا نزدیکی کوه جبل النور هم رفتیم و 2 عدد عکس گرفتیم .



و برگشتم و در چادرهای محل برگزاری برائت از مشرکین گشتی زدیم و به چادر برگشتم. یکی از روستان برای احوال پرسشی آمده بود و سؤال می کرد که در عرفات چکار باید انجام دهیم عرض کردم مهمترین کار در عرفات شناخت خود و خداست زیرا انسان اگر خودش را شناخت، مدیریت بر خودش، اولویت بر مدیریت بر دیگران پیدا میکند. که اگر اینچنین دستاوردی حاصل شود مهمترین نتیجه عرفات است و مضمون دعای عرفه امام حسین (ع) (هم تقریباً همین است، متن **حاجی یا ناجی** و قسمتی از سفرنامه را دادم خواند و خداحافظی کرد زندگی در عرفات با همه روزهای قبل تفاوت دارد، از تجملات، غذاهای رنگی و فروشگاه های متنوع و..... خبری نیست.

بلکه هر چه چشم می بیند انسان هائی با جامه های سفید و چادرهائی با کمترین امکانات ضمناً از برق خبری نیست که هر کسی بر اساس وسع فکری اش مشغول تفکر و تدبیر است زیرا مهمترین وظیفه در عرفات تفکر و شناخت پیدا کردن است که انسان آگاه میتواند در ادامه راه با همه مشکلات مقاومت کند. یکی از کارهای خوب برنامه برائت از مشرکین است زیرا بعد اجتماعی و جهانی حج مبارزه با ظالمان جهان و بخصوص دشمنان جهان اسلام می باشد که حداقل می توان در برنامه برائت از مشرکین شعاری و پیامی داد بشرطی که اعمال ما هم متناسب با هدف برائت از مشرکین باشد در غیر این صورت مثل خیلی از برنامه های دیگر شعاری بیش نخواهد

بود ولی در مجموع حرکت بسیار ضروری می باشد . که انسان همیشه در این اندیشه باشد که دشمنان آدمیت یا از درون یا از برون هستند آنها را بشناس و روش های مناسب برای مبارزه با آنها پیدا کن در غیر اینصورت ایام عرفات هم تمام خواهد شد و سختی ها و ادعیه های را هم خواهیم خواند ولی چه توشه ای برای ادامه زندگی برداشت خواهیم کرد خدا می داند ؟

هر چند خداوند به هر مقداری که انسان تلاش کند اجرش را می دهد ولی عرفات فرصتی است که شناخت پیدا کنی که شرط حاجی شدن در عرفات است زیرا یک حاجی واقعی پا را از چهار چوب زندگی شخصی اش بیرون گذاشته و برای انسانهای نیاز مند (حضوری ، فکری ، مادی ، عاطفی و) دل می سوزاند . و برای رفع نیاز های آنان اقدام می کند که در واقع این نوع **حاجی و ناجی شدن انسانها** می شود ولی حاجی معمولی اسم و رسمی پیدا کرده و دوباره یک عنوان تشخیصی پیدا کرده و با آن برای خودش مشغولیت درست می کند که باید بر خدا پناه ببریم زیرا آمده بودیم که در حج از خود کاذب خارج و خود واقعی را پیدا کنیم تا به اصل خودمان که روح ملکوتی است پیوند بخوریم و در آرامش و آرامش بخشی خود و دیگران گام برداریم زیرا حج تمرین چگونه زندگی کردن میباشد . وقتی ما برای گرفتن گواهینامه رانندگی مطالعه و تمرین می کنیم برای ایام خود آن زمان و امتحان می باشد یا اینکه اصل بهره برداری آن بعد از تمرین و گرفتن گواهینامه می باشد که انسان قادر باشد بهترین ارتباط و استفاده را از اتومبیل داشته باشد و برای سلامتی خود و خانواده اش و دیگران استفاده کند و کسانی که به تمرین های دوران آزمایش بی توجهی می کنند خود و دیگران را دچار مشکل می کنند حج هم اینطور است که اینجا تمرین می کنیم و قبولی میگیریم که بعدا بهترین روش را در زندگی اتخاذ کنیم تا خود ، خانواده و دیگران در سلامتی و آرامش زندگی کنیم پس خدایا خودت به قلب ، چشم ، گوش ، نفس و زبان ما نوری بتابان تا راه مستقیم را در عرفات وبعد از آن ادامه دهیم و توفیق استفاده از آن را در بقیه دوران زندگی داشته باشیم . آمین یا رب العالمین ،

بعد از ظهر دعای روز عرفات امام حسین (ع) و زیارت عاشورا قرائت شد دعائی که سرشار از عرفان و معنویت است و در واقع خود شناسی و خدا شناسی می باشد تا انسان د عرفات به این حقیقت برسد که جانشین خدا در زمین و اشرف مخلوقات است و مسئولیت سنگین در قبال خودش و مردم و کائنات دارد پس از اذان مغرب بسته های غذا (2 عدد کیک و آب میوه و موز) به عنوان شام تحویل دادند.

کمبود فضای خواب ، سرویسهای بهداشتی از مشکلات عمده بود که شاید به خاطر زمان کم خیلی به آن توجه نشده است ضمناً اهل سنت شب نهم ذی الحجه را نیز بیتوته می کنند و روز نهم را به عرفات می آیند علی الظاهر در شیعه هم مستحب است همین کار انجام شود ولی بعلت مشکلات حمل و نقل و انجام نمی شود فاصله 6 کیلومتر عرفات تا مشعر حدود 3/5 ساعت با اتو مبیل طول کشید تا به مشعر الحرام رسیدیم قرار است در مشعر انسان به 2 نیروی درونی (شعور) و بیرونی (اسلحه) دست پیدا کند. تا فردا در منی به مبارزه برخیزد زیرا شرط موفقیت و بقاء مدیریت زندگی شخصی و اجتماعی داشتن شعور و امکانات دفاعی می باشد چون زندگی بقول مرحوم علی صفایی حائری یک خوابگاه برای خوابیدن و مزرعه ای برای خوردن و فضایی برای تعیش نیست بلکه فراز و نشیب هائی دارد که باید انسان آماده شود با توجه به شرایط مشعر الحرام ریگ ها ی (اسلحه) مورد نیاز قبلاً از حرم جمع آوری شد ولی 9 ساعت توقف در منطقه ای که کوچکترین امکانات را ندارد بهترین فرصت برای کسب شعور در زمینه جایگاه خدا در زندگی ، دشمن شناسی و اولویت بندی مبارزه با آنها (درونی و بیرونی) برای بقاء و کمال زندگی فردی و اجتماعی می باشد. و همچنین ایجاد توانمندی (توانمند سازی) در خود از طریق ارتباط شبانه با قدرت لایزال الهی و تامین امکانات دفاعی از طبیعت برای انجام مبارزه در فردا و فرداها می باشد در مدت توقف در مشعر الحرام در کنار خیابان و ما بین دو اتوبوس ، با یک زیر انداز و در لباس احرامی خشکی و نامساعدی فضا و سرما انسان را وادار به فکر می کرد که ای انسان از خود راضی ، ببین که در این منطقه هر کس بر اساس امکاناتی که دارد به فکر خویش است پس تو هم در درجه اول در زندگی اول به سلامتی و آرامش خود ، هم فکر و هم عمل کن و بعد از دیگران توقع داشته باش .

پس از اذان صبح و اقامه نماز صبح همه منتظر طلوع آفتاب بودند تا وارد منطقه منی بشوند و در 2 جبهه شیطانی درونی و بیرونی مبارزه کنند

به محض طلوع آفتاب هجوم جمعیت سفید پوش میلیونی وارد منطقه منی شدند ابتدا به محل چادرها آمده و پس از خوردن چای و گذاشتن کیف ها عازم رمی جمره بزرگ (شیطان بزرگ) شدیم که این کار حدود 2/5 ساعت طول کشید چون فاصله چادر های ایرانی تا محل شیطان ها خیلی دور است اولین مبارزه در منی با شیطان بزرگ که حائل مستقیم بین خانه خدا (خدا) و بنده هست شروع شد .



زیرا اگر انسان بتواند با شیطان و وسوسه های درونی بزرگ (زیاد خواهی ، برای خود خواهی) و وسوسه های بیرونی (قدرتمندان و عالم و دانشمندان توجیه گر ظلم مبارزه کند) قطعا در روزهای بعد می تواند شیطان وسط و کوچک را هم نابود کند زیرا این دو وابسته به شیطان بزرگ هستند .

امیدوارم که این سنگ زدن ها در درجه اول به شیطان های درونی خودمان در منی و بقیه عمرمان باشد . تا ادامه دهنده سیره ابراهیم خلیل الله باشیم پس از رمی جمره عقبی تلفنی به کشتارگاه اطلاع دادند تا قربانی را انجام

دهند ضمنا به نیابت از همسر هم رمی جمره عقبی انجام شد وقتی به محل چادرها رسیدیم اعلام کردند که قربانی انجام شده ،

خانمها و آقایان تقصیر یا حلق کنند که منظره جالبی بود همه شروع به تراشیدن سر نمودند و پس از آن از لباس احرام خارج و عید گرفتند و دوستان شکلات توزیع کردند زیرا انسانی که با شناخت در عرفات و شعور در مشعر الحرام ، امروز در منی با شیطانهای درونی و بیرونی مبارزه کرده و پیروز از میدان برگشته و باید نظافت نموده لباس دنیایی به تن کند و با تولدی دوباره زندگی جدیدش را شروع نماید ولی به او یاد آوری می کنند.

درست است که در حمله اول پیروز شده ای ولی باید مواظب باشی و در روزهای بعد هم به مبارزه با 3 شیطان ادامه بدهی و آنها را رمی (تیرباران) بکنی که نکند هوس تاثیر گذاری بر انسان و خروج اواز صراط مستقیم را بکند ، من هم با توجه حج قبلی ، فقط تقصیر (ناخن گرفتم و چند عدد موی سر را زدم) و لباس عوض کردم . امید وارم که خداوند توفیق دهد و لباس درون هم عوض شده باشد تا صرفا حاجی نشده باشم بلکه ضمن حاجی شدن ناجی هم بشوم تا همواره در جهت رفاه مردم و دگرخواهی ، در اولویت زندگیم باشد ، روز چهارشنبه روز ذبح اسماعیل ابراهیم خلیل .. بود و ما هم به تبعیت از او و با اجازه حضرت حق گوسفندی را قربانی کردیم . ولی درست در همین روز چهارشنبه و ساعت مشابه فرزندانم در راه کسب علم ذبح شد ، خدایا اگر عنایت تو نبود چکار می توانستیم بکنیم شاید این قربانی را از ما گرفتی برای این بود تا ما از خواب غفلت بیدار شویم و با شیطان های درونی مان مبارزه کنیم و آدم تر بشویم و واقعا این اتفاق افتاد . هر چند تحمل قربانی شدن اسماعیل (ابوذر) سنگین است ولی باعث شد که هم خود آدم تر بشوم و هم به اطرافیان گوش زد کنیم که یادشان باشد که زندگی کوتاه است پس بهتر زندگی کنید و حالا هم به نیابت از او عازم سفر حجی شده ام که برایش حج انجام دهم تا هم با قربانی شدنش و هم با حجش ، آدم تر بشوم و برای نیکبختی و نیک نامی و خوشبختی خود ، خانواده ، اقوام و مردم تلاش مضاعفی نمایم (ناجی شوم در حد خودم)

عصر با همسر مدتی قدم زدیم و شب مراسم دعای کمیل شرکت کردیم، و به علت خستگی زیاد در بیرون از چادر (بعثت تنگی جا) خوابیدم شاید بعد از 3 شب، اولین شبی بود که کمی استراحت کردیم بعد از 3 روز مبارزه؟!

واقعا شبیه جبهه و مبارزه بود چون هم تلاش و هم بی خوابی و حالا که پیروزی بدست آمده و عید شده! باید استراحت کرد صبح جمعه به اتفاق همسر به رمی جمرات رفتیم (یکساعت راه تا رسیدیم) پس از طلوع آفتاب هر 3 شیطان را رمی کردیم و حدود ساعت 9 به چادرها رسیدیم و به استراحت پرداختیم. در موقع نماز ظهر و عصر دعای امام مهدی (عج) (دعای اللهم ارزقنا توفیق الطاعة....) که واقعا برای این چنین روزی مناسب است قرائت شد و روحانی کاروان متن فرمایش آیت ا. حسن زاده را قرائت و تا حدودی تفسیر کرد که بسیار جالب بود و واقعا اگر انسان بتواند این نگاه را به حج پیدا کند چه زندگی زیبا و چه جامعه ای انسان سرشار از محبت، کمک و ایثار فراهم خواهد شد ولی افسوس که خیلی می‌آئیم و بر می گردیم یا تغییری در حالمان ایجاد نمیشود و حتی بدتر از گذشته میشویم.

باید برخورد خدا پناه برد که در میدان مبارزه با شیطان و حتی قربانی دادن در راه موجب پیروز شدن شیطان بشود؟ پناه بر خدا.

روحانی دیگر کاروان از قول علامه طباطبایی فرمودند که شیطان در 2 حالت با انسان سرو کار دارد زمانی که در حال مطالعه و یا ذکر باشد.

یکی از خواهران همسفر شعری را به روحانی کاروان برای خواندن داده بودند که متن آن به شرح زیر است و برداشت بسیار خوبی از حج و نتیجه گیری از آن برای ادامه زندگی می باشد.

من آهوام در اینجا کز تو جدا نگردم از غیر بگسلم دل گرد خطا نکردم
کردی تو برتن من احرام پادشاهی یا رب عنایتی کن از تو گدا نگردم
خواندی مرا بسویت بهر طواف کویت شاید ز آبرویت گرد خطا نگردم
بیگانه کن ز خویشم فارغ ز نوش و عیشم راهی بنه به پیشم تا بی خدا نگردم

سعی و صفا و مره دارد عجب صفائی سعی ام بوده گردآز و هوی نگردم
از بحر رحمت خود یک جرعه ای بنوشان تا تشنه در هوای روز جزا نگردم
ژولیده ام که گویم این خالق توانا تاجی بده که دیگر گرد خطا

نگردم

از ساعت 11:30 شب به طرف مسجد الحرام حرکت کردیم و ساعت 1:30 بامداد به حرم رسیدیم و از ساعت 1:40 تا ساعت 5:30 طواف زیارت و نماز طواف و سعی بین صفا و مروه و طواف نساء و نماز طواف نساء انجام شد و از آنجا با اتوبوس به منطقه جمرات (شیطان ها) آمدیم و منتظر ماندیم تا آفتاب طلوع کند و سپس هر کدام از شیطان ها را رمی کردیم و پس از یک ساعت پیاده روی به چادرها رسیدیم در مسیر راه نحوه تجمع زائرین کشورهای دیگر و چگونگی سکونت 2/5 روزه آنان ملاحظه گردید که واقعاً از نظر نوع زندگی و مسائل بهداشتی تاسف آور است که از دین فقط به اعمالی بی روح توجه میشود و اساس دین که نظافت و سلامتی است اصلاً توجهی نمی شود به طوری که تلی از زباله در مسیر زندگی مردم به وجود می آید ولی به قول مرحوم دکتر شریعتی

در واقع یک دوره آموزش عملی اسلام و قرآن است ولی با سمبل ها ، حرکت و وقوف ها می باشد نه با حروف به طوری که قرآن با نام خدا شروع شده و در حج هم با **لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ** شروع می شود و پایان قرآن ، پناه بردن از شر سه عنصر گمراه کننده آدم یعنی از مدعیان تربیت (در واقع گمراه کنندگان) به رب الناس (خدای مردم) - تربیت کننده مردم) و ملک ها و مالک های ناحق به ملک الناس - مالک حقیقی یعنی خدا و مدعیان خدایی و طاغوت ها به اله ناس حقیقی است که حاجی هم در پایان حاج شدن با سه شیطان :

عالمان بی عمل - تزویر پولداران بی درد - آز قدرتمندان ظالم - زور

باید مبارزه کند یعنی همواره با نام خدا و مبارزه با این سه عنصر شیطانی زندگی سرشار از امید ، لطافت ، آرامش و بدون ترس داشته باشد و هر وقت از این مبارزه دست بردارد روز پوکی ، بی دردی ، ترس و غم سراسر زندگیش را فرا خواهد گرفت .

طواف روز آخر بسیار سنگین بود که واقعاً حضور پر شور مردم و حضور عشق و تبعیت محض از دستور خداوند کمک زیادی برای انجام اعمال امروز می‌کند. پس از برگشت از طواف و رمی جمرات یکی از حاجیان به علت کمک چند نفر از حاجیه خانم عصبانی و سرو صدایی به راه انداخت که در آخرین روز حج در منی خیلی تاسف انگیز شد و این نشان می‌دهد هنوز از محیط خارج نشده ایم شیطانی که به زور پی در پی او را رمی کردیم دوباره با وسوسه آن منیت و خود کاذب در انسان ظاهر می‌شود برای همین است که باید در طول سال سازمان حج و بعثه رهبری برای حاجیان برنامه های متنوع، علمی، اثربخشی در زمینه فلسفه حج و نقش آن در زندگی داشته باشند و آنکه در مدت یک ماه برای پر کردن اوقات زائرین با اجرای برنامه کم خاصیت و بعضاً بی خاصیت و تکراری چاره اندیشی بشود. در بازگشت به چادر، کامیونی مملو از پتوهای تازه ملاحظه شد مشخص شد که برای مسئولین بعثه و ستاد حج می‌باشد و این نشان می‌دهد آقایان در تامین امکانات زندگی در ایام حج تا حدی فرق با حجاج دارند و به خصوص که اکثر آقایان حج تمتع را هم انجام می‌دهند در صورتی که قرار بوده در حج هیچ کس حتی رهبری با بقیه تفاوت نداشته باشد تا برسد به مسئولین حج؟! در ظاهر که تفاوت خیلی؟!

ساعت 12 روز ذی الحجه منطقه منی مجدداً در حال تخلیه بودند و کمتر از آن جمعیت میلیونی مشاهده می‌شود گوئی که زندگی در حال رخت بستن از منطقه هست، کاروان ما هم پس از اقامه نماز ظهر و عصر و خوردن ناهار لوبیا پلو آماده رفتن می‌شدیم و خوشحال از اینکه برنامه ها با موفقیت (حداقل ظاهر حج) چون باطن حج و میزان قبولی آن با حضرت حق هست،

سوار اتوبوس ها شدیم و ساعت 1/30 حرکت کردیم. قرار بود فاصله 20 کیلومتر منی تا هتل را حداکثر در 2 ساعت طی کنیم بعد از 5 کیلومتر راه هوا منقلب و بارانی شروع به باریدن کرد که دیدنی بود در مدت چند دقیقه تمام خیابان ها و بزرگ راههای مکه سیل سرازیر شد و بسیاری ماشین های کوچک را جابجا می‌کرد و یا واژگون کرد که واقعاً دیدنی بود که اگر مدت 20-30 دقیقه دیگر ادامه پیدا می‌کرد چه اتفاقی در مکه می

افتاد خدا می داند ؟ چون سابقه باران طولانی مدت این چنین کمتر اتفاق افتاده است لذا از ساعت 1/30 تا 8/30 شب داخل اتوبوس ها محبوس بودیم جالب تر اینکه یکی از اتوبوس های دوستان رو باز بود و آنها دیگر چه می کشیدند ، مجبور شدند بعد از آنکه کاملاً خیس شده بودند منتقل به اتوبوس های سربسته شوند ، تنگی جا ، طولانی شدن زمان ، رطوبت بالا و مشاهده صحنه سیل و آنهم داخل اتوبوس واقعاً خسته کننده شده بود به خصوص که همه اعضاء کاروان تقریباً از 24 ساعت قبل نخواستید بودند چون برای انجام طواف زیارت ، نماز زیارت و سعی بین صفا و مروه و طواف و نماز نساء و رمی جمرات همه اش در حرکت و فشارهای زیاد انجام کار بوده اند لذا وقتی به محل هتل رسیدیم تقریباً دیگر حوصله حرف زدن نداشتیم بنده و همسرم اصلاً صدایمان در نمیآمد و بایستی برای شنیدن همدیگر ، نزدیک گوش صحبت می کردیم و حتی همسرم قدرت راه رفتن نداشت و جالب است جلوه هتل محل اقامت ما سطح آب حدود یک متر بود به هر طریق بود خوشبختانه همه اعضاء کاروان سالم به محل اقامت رسیدند ولی حداقل نیمی از اعضاء کاروان بیمار شده بودند و پس از استراحت شب و خوردن دارو ، سوپ ، چای ، مقداری مشکل حل گردید ولی شهر سیل زده و خیابان پر از گل و آب گل آلود بود.

عصر 13 ذی الحجه که قرار بود بعد از حج اتوبوس های حجاج ایرانی در حل فعال شوند. نیامدند و هر کس که توان داشت با وسیله ای عازم حرم یا خرید می شد ما که هر دو (بنده و همسرم) سخت سرما خورده بودیم مجبور به استراحت بودیم تا بتوانیم به وضعیت عادی برگردیم .

و ساعت 3 صبح به اتفاق تعدادی از دوستان عازم مسجد الحرام شده و تا ساعت 7 مشغول نماز ، قرآن ، طواف و یاد همه اقوام و همکاران به اسم در محضر خداوند و رو به روی خانه اش بودم و بعد از برگشت و استراحت مشغول بسته بندی ساک ها شدیم چون که ساعت 11 شب باید تحویل هواپیمایی بدهیم ، ظهر جلسه کاروان بود و سخنرانی روحانیون کاروان و توفیقاتی که بعضی از زائران بدست آورده اند و همچنین سخنرانی های مدیر کاروان مبنی بر ضوابط برگشت به کشور از نظر اتوبوس ، بلیط ، کرایه ، هواپیما ، نماز داخل هواپیما ، یکی از

اعضاء کاروان به نیابت از همه از مدیریت ، عوامل و روحانیون کاروان تشکر کردند و فرمودند با توجه به اینکه بعد از برگشت همه توقع دارند که انتقال دهنده انرژی مثبت به آنان باشیم آرزو کردند که همه ما توجه کنیم و از بیان مشکلات احتمالی و انرژی منفی خودداری کنیم .

3 فرم تحویلی از بعثه رهبری و سازمان حج تکمیل گردید پیشنهاداتی داده شد امیدوارم که به دست مسئولین ذیربط برسد و بی طرفانه مطالعه کنند چون مدیر خوب آن است که از تجربه هر سال برای اصلاح امور استفاده کند و نه اینکه کارهای تکراری را بستر کار بداند که یقیناً نمی تواند پاسخ دهنده نیازهای جدید زائران باشد .

جالب است یکی از زائران در طول سفر همانند خدمه رسمی کاروان خدمت می کرد و همه فکر می کردند ایشان جزء خدمه است ولی مشخص شد خیر . ایشان زائر هستند واقعاً از نظر خدمت ، رفتار و اخلاق و .. زائر نمونه کاروان بودند که خوش به حال ایشان که این قدر خالصانه و خاضعانه سفر حج را به پایان رساندند . قرار شد که ساعت 1250 صبح سه شنبه کامیون برای بردن ساک ها بیاید ولی همه را سرکار گذاشت چون ما قرار گذاشتیم ساعت 2 به اتفاق همسرم به حرم برویم و طواف وداع انجام دهیم ولی به علت بد قولی کامیون و از طرفی مشکل یکی از هم اتاقی ها که هنوز طواف نساء را انجام نداده بودند قرار شد آنان و همچنین خانم به مسجد الحرام بروند و بنده در هتل برای رتق و فتق امور بمانم واقعاً خداوند حال می دهد لذا توفیق شد که یک جزء قرآن و نماز شبی را داشته باشم امیدوارم که خدا توفیق دهد منبعد در اقامه نماز شب و نافله ها اقدام نمایم . آیات 11 تا 13 سوره حجرات یادداشت برداری کردم که :

آی 11- عدم استهزاء و بکار بردن نامهای بد

آی 12- سوءظن نداشتن و گناه بردن و کراهت از خوردن گوشت برادر مرده

آی 13- خلق انسانها از مونث و مذکر و گروه کردن ولی با کرامترین آنها نزد خدا، تقوای پیشگان هستند .

اگر درست دقت کنیم رنگ و نژاد و ملیت ارزشی دارد فقط تقواهای خود مراقبتی معیار کرامت انسانی در پیشگاه خداست ولی امروزه حتی در جوامع اسلامی عناوین ، پست‌ها ، مدارک و.. معیار ارزش است البته در بین مردم که سودی برای آدم ندارد.

و همچنین خودداری از سوء ظن و عدم بکار بردن روش استهزاء دستوری است که همه باید رعایت کنند ولی متأسفانه مثل موریانه ای است که بیشتر مردم ما را گرفتار کرده و باعث بدبینی و منفی نگری شده است که قادر به ارتباط صحیح با همدیگر (صادقانه نه ریاکارانه) نیستیم امید است که خدا توفیق

بدهد در همه شرایط به مردم نگاه مثبت داشته باشیم زیرا امام رضا (ع) می فرماید

اگر می خواهید بدانید که مومن واقعی هستید وقتی که از منزل خارج می شوید بگوئید همه از من بهتر هستند.

آیا واقعاً فرهنگ موجود و ، جامعه ما حتی در بین اشاعه دهندگان دین ، این است پناه بر خدا که با نام دین - بدبینی - استهزاء ، نفرت و.. تولید می کنند.

نهایتاً کامیون 4/05 صبح آمد و با کمک تعدادی از حاجیان چمدانها؟؟ بار کامیون شد به خصوص چمدان

حاجیان که در جلو بود و خود عمدتاً غایب و در زیارت مستحب تا دیگران واجب آنها را انجام دهند واقعاً ما

ایرانی ها چه قدر دنبال ثواب جمع کردن هستیم البته آن هم از نوع بعضاً نفهمی و نادانی؟!

نهایتاً ساعت 6 صبح اذان و نماز صبح خواندم و به حرم مشرف شدم و تا ساعت 9/30 توفیق حضور داشتم .

سپس طواف وداع و نماز طواف وداع اقامه شد و در ادامه نماز نیابت و قضا در پشت مقام ابراهیم از طرف

دوستان و اقوام و التماس دعا گویان 0 پدر و مادر و مادر خانم ابوذر و مریم و آخرین نماز وداع با حرم امن الهی

را برای عزیزانم علی و احسان خواندم به طوری که :

شروع حج با نام خدا و به نیابت از ابوذر مریم

و ختم حج با نام خدا و به نیابت علی و احسان

و به یادگاری از قسمت روبه روی درب خانه و مکان ابراهیم هم با پرده جدید عکس گرفتم.



در ادامه دعای حضرت مهدی (عج) به شرح ذیل قرائت شد .

اَللّٰهُمَّ الرِّزْقَنَا تُوفِیْ قِ الطَّاعَةِ

خدایا روزی ما کن توفیق

وَبُعْدَ الْمَعْصِیَةِ و دوری از گناه

وَصِدْقَ الْإِنِّهِ وَ صِدْق و صفا در نیت

وَعِرْفَانَ الْحَرَمِ و شناختن آنچه حرمتش لازم است

وَ أَكْرَمَنَا بِالْهُدَى وَ الْإِسْتِقَامَةِ و گرامی دار ما را بوسیله هدایت و استقامت بر آن

وَ سَدِّدِ السِّنْتَ بِالصَّوَابِ وَ الْحِكْمَةِ و استوار کن زبانهای ما را به درستگویی و حکمت

وَ أَمَلَا قُلُوبَنَا بِالْعِلْمِ وَ الْمَعْرِفَةِ و لبری ز کن دلهای ما را از دانش و معرفت

وَ طَهَّرْ بُطُونَنَا مِنَ الْحَرَامِ وَ الشُّبْهِهِ و پاک کن اندرون ما را از حرام و شبهه

وَ أَكْفُفْ أَيْدِيَنَا عَنِ الظُّلْمِ وَ السَّرِقَةِ و باز دار دستهای ما را از ستم و دزدی

وَ اغْضُضْ أَبْصَارَنَا عَنِ الْفُجُورِ وَ الْخِيَانَةِ و بپوشان چشمان ما را از هرزگی و خیانت

وَ اسْدُدْ أَسْمَاعَنَا عَنِ اللَّغْوِ وَ الْغِيْبَةِ و ببند گوشهای ما را از شنیدن سخنان بی‌هوده و غیبت

وَ تَفَضَّلْ عَلَيَّ عُلَمَائِنَا بِالزُّهْدِ وَ النَّصِيْحَةِ و تفضل فرما بر علمای ما پارسای و خیرخواهی

وَ عَلَيَّ الْمُتَعَلِّمِينَ بِالْجُهِدِ وَ الرَّغْبَةِ و بر دانش آموزان ، کوشش و شوق داشتن

وَ عَلَيَّ الْمُسْتَمْعِينَ بِالتَّبَاعِ وَ الْمُوعِظَةِ و بر شنوندگان ، پیروی کردن و پند گرفتن

وَ عَلَيَّ مَرْضَى الْمُسْلِمِينَ بِالشِّفَاءِ وَ الرَّاحَةِ و بر بیماران ، بهبودی یافتن و آسودگی

وَ عَلَيَّ مُوْتَاهِمٍ بِالرَّافَةِ وَ الْمَرْحَمَةِ و بر مردگان مان عطوفت و مهربانی کردن

وَ عَلَيَّ مَشَايِخِنَا بِالْوَقَارِ وَ السَّكِينَةِ و بر پیرانمان وقار و سنگینی

وَ عَلَيَّ الشَّبَابِ بِالنَّابَةِ وَ التَّوْبَةِ و بر جوانان ، بازگشت و توبه (خودیابی)

وَعَلَى النِّسَاءِ بِالْحَيَاءِ وَالْعِفَّةِ و به زنان ، حیا و عفت
وَعَلَى الْاَغْنِيَاءِ بِالتَّوَاضُّعِ وَالسَّعَةِ و بر توانگران فروتنی و بخشش
وَعَلَى الْفُقَرَاءِ بِالصَّبْرِ وَالْقَنَاعَةِ و بر مستمندان ، شکیبایی و قناعت
وَعَلَى الْغَزَاهِ بِالنَّصْرِ وَالْغَلَبَةِ و بر پی‌کار کنندگان یاری و پیروزی
وَعَلَى الْأَمْرَاءِ بِالْإِخْلَاصِ وَالْإِرْحَاحِ و بر اسی‌ران رهای‌ی یافتن و آسودگی
وَعَلَى الْأَمْرَاءِ بِالْعَدْلِ وَالشَّفَقَةِ و بر زمامداران عدالت داشتن و دلسوزی
وَعَلَى الرَّعْيَةِ بِالْإِنصَافِ وَحُسْنِ السِّيَرَةِ و بر مردم ، انصاف و خوش رفتاری

و از درگاه ایزد منان تقاضا کردم که توفیق دهد شعار زندگی ، کار و ارتباطم و آموزشم همین دعا باشد چون اگر واقعاً توفیق عمل حاصل شود پیروزی بسیار بزرگی است .

و پس از عرض ارادت به خانه کعبه و سلام بر انبیاء عظام به خصوص حضرت محمد (ص) ابراهیم خلیل

، اسماعیل ذبیح ، و هاجر آن مادر بزرگوار و همسایه دیوار به دیوار خانه خدا و.. امیدوارم که باز هم

توفیقی حاصل شود به اتفاق همسرم ، علی و احسان به عمره مفرد بیاییم. چون با همه مشکلاتش و

نابسامانیهای موجود در روش برگزاری حج ، بهترین سفر برای خودشناسی جهت رشد می باشد زیرا

سرشار از انرژیهای متراکم معنوی می باشد و انسان در هر شرایطی در این انرژیهای معنوی بهره مند می

شود .

در پایان چکیده ای از زیباییهای حج و نازیائها آورده می شود که امید است هر روز بر زیباییهای حج

اضافه و از نازیائهای آن کاسته شود

زیبائها در حج:

- قدرت زندگی مشترک با افرادی که قبلاً هیچ شناختی از همدیگر نداشتیم.
- رعایت حقوق متقابل (عدالت در رفتار)
- دیدن عشق و چگونگی ارتباط انسان با خدا، رنگ، ملیت و سواد مختلف
- تمرین مردن و سهم انسان از دنیا به 2 تکه پارچه ندوخته
- تمرین عملی دین در زمان محرم شدن در 4 بعد خدا، خود، مردم و سایر موجودات
- اقامه نماز در 5 نوبت بر اساس سیره پیامبر اکرم (ص)
- ارزش تفکر و شناخت در عرفات که اساس و بنیاد دین در آن است.
- ارزش تدبیر و تعقل برای کسب شعور و آن هم در چارچوب مکتب نه
- تمرین مبارزه با نمادهای شیطانی (زر، زور، تزویر)
- اطاعت محض از دستورات خداوند با دقت زیاد (برای عبد شدن)

- بدور ریخته شدن عناوینی کاذب که موجب غرور انسان می شوند.
- زندگی مشترک زن وشوهر در آرامش برای اثبات آیه قرآن، زن وشوهر تسکین دهنده همدیگر هستند.
- توجه مسلمانان به خواندن قرآن و تسلط آنان به زبان عربی بر عکس ایرانی ها
- مودب بودن خیلی از زائران کشورهای مختلف
- مروری بر محتوای قرآن در قالب وقوف، حرکت و رمی در حج
- فرهنگ کمک در مکه به نیازمندان توسط مردم و مسئولین دولتی
- وحدت مسلمین به دور از هر گونه بازیهای سیاسی

نازیبائیهها در حج:

- عدم رعایت بهداشت توسط بسیاری از زائران در حرم (عرفات، منی و مشعر الحرام)
- عدم تغییر در رفتارهای همراه با منافع شخصی
- عدم رعایت حقوق افراد در هنگام طواف به خصوص طواف های کاروانی یا گروهی
- افراط در خرید توسط ایرانی ها
- سرگردان بودن زائران ایرانی در بین نمازها پشت مغازه ها
- افراط در روضه خوانی بعضاً بی محتوا
- کم توجهی به روح حج توسط مسئولین حج و بعثه رهبری
- توجه بیش از حد به غذا
- امکانات محدود مشعر الحرام برای اقامت یک شب
- عدم نگهداشتن احترام زمین های مقدس با آلوده کردن بسیار زننده به حرم
- ترافیک سنگین مکه و نبود پلیس کارا
- تبعیض در بین زائران و مسئولین حج

